

بهاران

بر تمامی کارگران و زحمتکشان
خجسته باد
در صفحه ۵

جاودان باد خاطره شهدای ۲۵ اسفند

های آتشین سرازخاک بر میداشتند
بارد بگر گلوله های ضد انقلاب بر پیکر
انقلاب نشست .
بقیه در صفحه ۲ و ۲۶

در آستانه بهار ۶۱ و در اوایل
روزهای اسفند ماه ۶۰ در حالیکه
شکوفه های هرنگ خون آبسوه
شهدان آن به گل می نشستند و شقایق

کارنامه یکسال خون و جنایت رژیم جمهوری اسلامی

بهاران فرامیرسد ، لاله های
صحرائی رخ می گسترزد و شقایقهای
سرخ ، دسته دسته از سراسر خاک
میپهن فرامیرویند . هر شقایق بهار
قطره خون سرخ را بر خود دارد و هر
لاله آتشین ، آرا ده انسان نواندیشی
را زنده میکند . انسانی که بر ضد ستم
و استعمار و برای نو کردن جامعه پیکار
میکند . بهار ۱۳ سال آغازی را بر دارد
این بهار پنجمین بهار شوریدگی است
بهار سرخوشیت سا زاست . در زمین
بهار همه یکدست بهار . بقیه در صفحه ۲

کمون جاودانه است

در صفحه ۸



چهار ساله شد
در صفحه ۵

طی یکسال گذشته ، طبقه کارگر
ایران ، در زیر فشار شدید ترین
سرکوبهای ارتجاع ، همچنان به
مبارزات خود بر علیه سرمایه داران -
ادامه داد . اگرچه میزان وسطح
مبارزات بیولتاریا ، طی این دوره ،
در مجموع کم ر امنه و محدود باقی ماند ،
لیکن در مقایسه بقیه در صفحه ۹

رزم کارگران

در این شماره

- جنبش کسالتگری در صفحه ۳
- اجلاس غیر متعهد ها و رسوایی رژیم در صفحه ۶
- بسودجه ۶۲ در صفحه ۶
- اخبار جنبش در صفحه ۲۴

قسمت سوم : مقایسه مبارزات
کارگران و زحمتکشان

ما تا کنون در ارزیابی مبارزات
کارگران و زحمتکشان به بررسی
خواستها و اشکال مبارزات اکتفا
مختلف خلق و عمدتاً کارگران
پرداخته ایم . در اینجا سعی خواهیم
کرد تا با مرور بقیه در صفحه ۷

بررسی اشکال مبارزات
کارگران و زحمتکشان

- مهرماه ۶۰ الی مهرماه ۶۱ - (۴)

مقایسه مبارزات کارگران و زحمتکشان

روز زن

سالروز جنبش زنان زحمتکش جهان گرامی باد



بقیه در
صفحه ۱۱

۱۸ اسفند (۸ مارس) روز زن
است . ۲۵ سال قبل (۱۹۰۸)
در چنین روزی هزاران تن از زنان
کارگر صنایع نساجی ولباس دوزی -
آمریکا در شهر نیویورک دست به

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

کارنامه یکسال خون . . .

بقیه از صفحه ۱

جناپتهایی که رژیم ضد انقلاب طی این مدت نشا کرده است بر ضد رژیم به گل میباشند در نظام سرمایه داری همه چیز آیینت ضد خود است (کاپیتالیسم مارکس) . سیاستهای ضد انقلابی رژیم در تمام این مدت خود مناسبترین بستر رشد نارضائی های توده های است. سیاست حمایت بیدریخ از سرمایه داری در آن در کلیه عرصه های اجتماعی و سیاست سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان ، تدوین قوانین ضد کارگری و تشدید فلاکت توده های ، بازسازی نظام سرمایه داری وابسته و گسترش پیوند با امپریالیستها ، کارنامه سیاه رژیم جمهوری اسلامی بوده است که همان زمینه های اصلی رشد نارضائیتی های توده های است . هر چند سیاست سرکوب و خشنیانه که مدتها رژیم را سر برآ نکند داشته بود ، امروز ایران را گلزاران کرده است و هر خانسواده شاخه گلی بر تارک دارد ، اما بهار اعمال آغازی نگردد . گرچه رژیم سفاک جمهوری اسلامی هر آسند از توح این همه سرخ و ترسناک از سرریز موج خشم توده های ، جنسون آسارگز همیشه به کشتار و خشنیانه مردم گمرسته است اما گسترش موج نارضائیتی ها و بالنتیجه تشدید تضاد های درونی هیئت حاکمه و بحران همه جانبه و فزاینده اقتصادی سیاسی رژیم را در بر گرفته است چنین مجالی برای رژیم باقی نگذاشته است . هم اکنون مجموعه سیاستهای ضد انقلابی رژیم طی سال گذشته ، باقیمانده توهومات و معتقدات واهی اقشار ناآگاه جامعه را نیز فروریخته است و تانسیل انقلابی توده ها علیرغم جو خفقان و سرکوب ، سپهر صعودی چشمگیری یافته است . در این روز هن توده ها از رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جزا شده متمغن و کند یده های باقی نمانده و سال نسو توده ها در تارک بچاک سپردن این چرخش فساد اند . تاپرویرانه های آن حاکمیت خویش را بنا سازند . مروری کوتاه بر سیاستهای رژیم و مبارزات توده ها گویای این واقعیات است :

۱- سیاستهای داخلی رژیم الف - دعوت از سرمایه داران - رژیم جمهوری اسلامی در راه آمه سیاستهای سرکوبگرانه و قرون وسطائی خود که از اوائل سال ۶۰ بصورت آشکری اعمال شد ، با این تصور که جزیره ثبات سرمایه داران را فراهم آورده است ، طی سال ۶۱ با تد اوم همین سیاست تلاش گسترده ای را در جهت جلب سرمایه داران آغاز نمود . ابتدا با ترتیب یک سلسله سخنرانی ها در نماز جمعه و مجامع عمومی مسئله ثروت "حلال" و "حرمت مالکیت" مطرح گردید و موسوی نخست وزیر بر ضرورت فعالیت بخش خصوصی تاکید کرد و توکلی وزیر کار رژیم از سرمایه گذاری و کسب ثروت حلال اعلام حمایت نمود و معاون وی معتمد رضائی با راه فراتر نهد و برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگران گفت : "در اسلام تضاد میان ثروت و فقر وجود ندارد بلکه تضاد میان اسلام و کفر است" و با این ترتیب بر استعمار سرمایه داران رسماً و کلتاً صحنه گذارد . اما همین سیاست دعوت از صاحبان صنایع و سرمایه داران در سمینار بررسی مسائل صنایع ایران بود که به ابتکار وزارت بازرگانی بر تاریخ ۱۳ - ۱۶ شهریور تشکیل گردید . و وزیر بازرگانی ، کنار و صنایع در این سمینار سیاست دولت صنی بر کمک همه جانبه رشد سرمایه داری و گسترش فعالیت بخش خصوصی را مورد تاکید قرار دادند و از جمله مواضعی را که تاکنون موجب جلوگیری دولت از خد متکداری به سرمایه داران شده است را تبلیغات ضد سرمایه داری کمونیستها دانستند . در قطعه نامه این سمینار آمده است : " مسئله امنیت سرمایه و اعطاء امتیازات در ازم مدت و میان مدت برای صنایع و تسهیلات در مورد پرداخت مالیات از سوی ممیزین مالیاتی صورت گیرد " (اطلاعات ۶۱/۶/۲۵) . از این به بعد دولت میبایست وعده ها را اجنبه قانونی بخشد بهین جهت در تاریخ ۶۱/۸/۲۸ لایحه حدود و شموله فعالیت بخش خصوصی از سوی دولت و شورای اقتصاد به مجلس فرستاده شد و درست همزمان با این لایحه ، پیش نویس ارتجاعی قانون کار از سوی وزارت کار منتشر گردید تا اوج خد متکداری - دولت به سرمایه داران را بنام پیش گذارد . طبقه کارگر در این پیش نویس تا سطح برده تنزل داده شد و کلیه حقوق و مزایائی را که طی سالها مبارزه بدست آورد بود ملغی اعلام گردید . جالب توجه اینکه قبل از انتشار پیش نویس ، وزارت کار عملاً آنرا مرحله

اجراء آورده و طی بخشنامه ای اعلام کرد : "حق بیمه کارگران موکول بقرار داد ما بین کارگرو کارفرما و رضایت طرفین است و قانون قبلی ملغی میشود" . (اطلاعات ۶۱/۶/۲۵)

با این ترتیب تلاش همه جانبه ای برای تأمین امنیت سرمایه صورت گرفت و سرانجام طرح ۸ ماده ای خمینی که حاکی از ضمانت از تعرض به سرمایه داران و بازگشت اموال صادره شده به صاحبان شان و بکارگیری تکنوکراتها و بوروکراتهای رژیم گذشته و سرکوب هر چه گسترده تر نیروهای انقلابی بود بحثاً به تضمین کلیه موارد ذکر شده با صبر و لایق فقیه ضمانت اجرایی یافت و این سیاست در کلیه عرصه های اجتماعی با جرات آمد . در بگر برای توده ها کاملاً آشکار گردید که دست شستن رژیم از آن همه وعده و وعیدهای تو خالی که در رهپا هوی گوش خراش بند "تو خالی" و "ملی گردن تجارت خارجی" ، بانکها ، صنایع بزرگ ، اراضی سطح شهر ، حل مسئله مسکن ، لغو دیون دولتی و . . . خود نمائی میکرد و با بیان در آن به همه جنجالهای پوشالی همگی نشان داد که این عوام فریبی ها در واقع شعل جار و شیبی رژیم بود برای فریفتن توده های ناآگاه و تشنه ای بود برای جد کردن توده های ناآگاه از نیروهای انقلابی راستین و طمعهای بود بدست خوش پاوران و مستسکی بود برای سرکوب خونین جنبش توده ای . اما ببینیم حاصل این همه خوش خدمتی به سرمایه داران چه بود ؟

گرچه طی یکسال گذشته رژیم تلاش کرد تا سرمایه داران از جهت راه اندازی صنایع ممتاز و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته بکارگیرد اما بدلیل بحران همه جانبه اقتصادی سیاسی و تضاد های درونی رژیم و بالاخره بی ثباتی رژیم ، سرمایه ها در جهت تجارت که با آوری فوری و بلا واسطه در دست وسو یافت و سود های افسانه ای نصیب تجار بزرگ کرد و بدلیل همین تضاد های درونی رژیم بود که بخشی از غارت و جپاول تجارت در راس آن عسکرا و لاری وزیر بازرگانی بر ملا گردید و گوشه هائس از رشوه خوارها و زدبها آشکار گردید .

ب - سرکوب : پایبای حمایت از سرمایه داران سیاست سرکوب همه جانبه نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق از جمله بقیه در صفحه ۱۵

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

صنایع دفاع :

کارگران کارخانه فشنگ سازی (از کارخانجات مهمات سازی) که از اعمال ضد کارگری یکی از سرپرستان بخش (بنام تهرانی) بسته آمده بودند در پی اعتراضات خود خواهان اخراج این مزدور سرمایه شدند.

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ ارتجاعی که بقای ننگین خود را در آن پایزهر یابد. بیشترین فشار را بر کارگران مبارز صنایع دفاع تحمیل کرده است. کارگران این کارخانجات ناچارند تحت بدترین شرایط در مقابل دستمزدهای ناچیز، مهمات و ابزار جنگی تولید کنند، تارژیم ضد خلقی با ادامه جنگ و به بهانه جنگی مبارزات کارگران و زحمتکشسان اسرکوب نماید. ایادی مزدور رژیم میکوشند کارگران را به تولید هرچه بیشتر وادارند. در این راه نه تنها با افزایش ساعات کار، اضافه کاری اجباری (گاهی تا ۲ ساعت در روز)، افزایش شدت کار و لغو تعطیلی پنجشنبه ها، کارگران را وحشیانه به بند استثمار کشید هاند، بلکه با

جریمه هایی چون اخراج، جریمه و گماردن جاسوس میخواستند از مبارزات اوچ پاینده کارگران پیشگری کنند. اما کارگران صنایع دفاع نیز در مقابل این فشارها، برای احقاق حقوق حقه خویش مبارزه برخاسته اند، مبارزه کارگران فشنگ سازی نمونه ای از این مبارزات است.

بد نیال اعمال فشارهایی چون اخراج، جریمه و جاسوسی که یکی از سرپرستان بخش بنام تهرانی به کارگران تحمیل میکرد، کارگران فشنگ سازی صنایع دفاع دست به اعتراض زده و خواهان اخراج او از قسمت میگردد. روزدوشنبه ۲ اسفند وقتی تهرانی به بخش مربوطه میزد با اعتراض بیش از ۳ تن از کارگران مواجه میشود و چون او با یکی از کارگران درگیر میشود، آتش خشم انقلابی کارگران از وقاحت این مزدور سرمایه شعله ور شده و همگی به دفتر کارش میروند و کتک مفصلی به او میزنند. روز بعد اداره سیاسی ایدئولوژیک کارگران مزبور را فرامیخواند. اما کارگران قسمت که بقیه در صفحه ۴

جیش کارگری



سازمان آب و فاضل آب خوزستان :

اهواز - چهارشنبه ۴/۱۲/۶۱ یکارگران ادارات مختلف سازمان آب و فاضل آب خوزستان که از مدت ها پیش هم تحت فشار اقتصاد ناشی از کم حقوق، گرانی و... هم زهر فشار سرکوب و خفقان مسئولین و انجمن اسلامی بطور پنهانی به ضدیت با رژیم برخاسته بودند، بالاخره در این تاریخ آشکارا اعتراضات خود را با استفاده از ابتکاری از مراسم نماز وحدت نشان میدهند. ادارات مختلف این سازمان در سطح شهر پخش است. کارگران چه از طریق شفاهی و چه بوسیله تلفن بیگد بکسر اطلاع میدهند که در احد امکان در این روز جهت نماز وحدت، در سالن اجتماعات ساختمان مرکزی جمع شوند آنها همچنین به مسئولین تاکید میکنند که در این اجتماع حضور یابند. مسئولین که نمیتوانستند از مسئله نماز صرف نظر نمایند در سالن حضور پیدا میکنند کارگران پس از خاتمه نماز شروع به سخنرانی کردن مینمایند. مدیر عامل مدتی پیش يك فرد حزب اللهی را به ریاست امور اداری گمارد بود که اخیرا به اتهام خرید و فروش مواد مخدر دستگیر شده و بدلیل همزمانی این مسئله با فرمان ۸ ماهه ای و ترس از افشای آن در زندان نگهداشته شده است. این شخص تاکنون بسیاری از کارگران را اخراج، تسبیح، معلق و... کرده است و سابقه دزدی و اختلاس نیز دارد. این مسئله خود انگیزه ای بود در جهت حرکت کردن کارگران. کارگری در آغاز میگوید (خطاب به مدیر عامل) : ما میخواهیم بدانیم چرا از وقتی که شما و همراهانت به این اداره آمدید، فشار و اختناق زیادتر شده و بدبختی ما بقیه در صفحه ۴

پارس متال :

اعتصاب چند ساعته کارگران پارس متال بخاطر حق بهره وری کار در کارخانه پارس متال، ازحد و در یکما همیشه بحث زیاد ی پیرامون حق بهره وری کار، بین کارگران و شورا در گرفته بود. عده ای از کارگران نسبت به پرداخت ویا عدم پرداخت این حق مردد بودند تا اینکه روزدوشنبه ۲۵ / ۱۲ / ۶۱، برطبق تصمیم هیئت مدیره اعلام شد که کارخانه بدلیل نداشتن سود و متضرر شدن قادر به پرداخت سود نمی باشد. این مطلب خشم و نفرت شدید کارگران را برانگیخت. کارگران در اعتراض به این مسئله در نمایند ها جمع شده و کار را رها کردند و بدینگونه اعتصاب آغاز شد. در مدت کوتاهی خبر به سایر قسمت هارسید، اعتصاب سرتا سر کارخانه را در بر گرفت و همه کارگران دست از کار کشیدند، کم کم خبر اعتصاب بگوش مدیران نیز رسید. یکی از آنها گفته بود این مسئله بما مربوط نیست بقیه در صفحه ۴

شرکت واحد :

در یکی از تعمیرگاههای شرکت واحد یکی از عناصر اکثریتی نوشته ای مشتمل بر خواسته هایی چون بپرداخت، حق تلفن زدن و غیره را تهیه کرده بود و میخواست به امضای کارگران برساند. اما کارگران بدلیل بی اعتمادی مغرط به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و این عناصر سرسپرده و فرصت طلب حاضر به امضای نوشته نشدند. آنها به حق میگفتند که : "خواسته های ما بالا تر از این حرفه است و بدین شبهه نشان میدادند که رژیم و سرسپردگانش نخواهند توانست با رواج دادن اشکال قانونی مبارزه و طرح خواسته های جزئی، مبارزات کارگران را منحرف ساخته و ذهنشان را از چارچوب قانون کار که قانونی ارتجاعی ضد کارگری است منحرف سازند. رژیم جمهوری اسلامی در مواجهه با اعتراضات گسترده کارگران به پیش نویس قانون کار ارتجاعی، ناچار به عقب نشینی بقیه در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

صنایع دفاع . . . بقیه از صفحه ۳

ماهیت این اداره را در جاسوسی و سرکوب شناخته اند، همگی (حدود ۴۰۰ نفر) با تفاق به آنجا میروند. نماینده ری شهری در اداره سیاسی اید پولوزیک و قتی با اتحاد و یکپارچگی کارگران نیروی - میشود سعی میکند با تهدید و مارک تودهای بودن آنان را وادار به عقب نشینی کند. این مسئله خشم و نفرت کارگران را پیش از پیش در این زده و با شعله های بزرگ بر ضد کارگر، مرگ بر سر تودهای مخالفت خود را پیش میبردگان رژیم و خائنین به خلق نشان میدهد نمایند رژیم سرمایه در آری که تهدیدات خود را بی اثر می بیند بحیله جدیدی متوسل میشود، او برای ایجاد تفرقه و شناسائی کارگران از آنان میخواهد که دست درسته محل را ترک کنند. اما کارگران مصمته بر اخراج تهرانی با فشاری کرد میگویند: ما با هم آمده ایم و با هم میرویم. بالاخره نماینده ری شهری که در مقابل وحدت کارگران در ماندن هشد بود از آنها. روز فرصت میخواهد تا تکلیف تهرانی را روشن کند. فردای آنروز بر خلاف انتظار کارگران، تهرانی با سرکامی آید و این بار تیرکتک مفصلی نوش جان میکند، در این هنگام ضد

اطلاعات داخله کرده و از مسئول بخش میخواهد که "افشار" (پیشنام انتخابی کارگران) را بعنوان عامل اصلی این مبارزات به ضد اطلاعات تحویل دهند. کارگران قسمت که میبینند ضد اطلاعات قصد سرکوب و به انحراف کشاندن حرکت آنان را دارند بحمايت از افشار برخاسته و مانع دستگیری وی میشوند مسئول بخش که از اتحاد و یگانگی و ادامه حرکت کارگران به وحشت افتاده بود از دستگیری افشار امتناع کرده و پیغام میدهد که: "وضع خراب است، اینکار بازی با آتش است" اما مزدوران رژیم تصمیم گرفته بودند به هر شکل ممکن این آتش را خاموش کنند، زیرا گسترش آن به بخشهای دیگر هستی تنگنشان را بخطر می انداخت. آنها برای سرکوب مبارزه کارگران در کامپسون سربازیه محوطه کارخانه می آورند. پس از مدتی باسد این سرمایه جای سربازان را میگیرند آنها وحشیانه بکارگران یورش برده و میکوشند در مغرقتان سازند. در اینجا افشار اعلام میکند برای پیشگیری از درگیری حاضر است به ضد اطلاعات برود اما کارگران حرف او را نپذیرفته و وحدت ۳۰ نفر او را همراهی میکنند. در دفتر ضد اطلاعات مجدداً ضمن تهدید و زدن بر چسب تودهای سعی میکنند

روحیه مبارزاتی شان را در هم شکنند که موفق نمیشوند و نهایتاً در مقابل با فشاری کارگران تسلیم شده و همگی را آزاد میکنند، مزدوران رژیم برای مهار کردن مبارزات کارگران در روز پنجشنبه (گفتند که کمتری در کارخانه هستند) مغول و اربکارخانه یورش برد و حدود ۳۰ تن از کارگران را دستگیر میکنند.

کارگران مبارز فشنگ سازی که اینگونه متحدانه در مقابل دشمنان طبقاتی خود بپاخاسته اند، باید این اتحاد مقدس را همچنان حفظ کرده و برای آزادی همکاران در بند خود مبارزه را عمیق تر و پیکرتر ادامه دهند و فراموش نکنند که رفقای شان برای دستیابی به خواستهائی مشترک بدام استارت گرفتار شده اند.

همچنین کارگران باید هشیما باشند که اختلافات درونی عوامل رژیم که بدون شک در کمر میانی دربی خواهد داشت، مبارزات آنان را منحرف نساخته و انرژی انقلابیشان را به هدر ندهد. کارگران باید از تضادهای درونی هیئت حاکمه سود جستجو در جهت ارتقاء مبارزات خود بیکار بندند.

پارس مثال . . . بقیه از صفحه ۳

چون کارخانه ملی است و مال کارگران است. یکی دیگر از مدیران پیغام فرستاد بود که بهیچ وجه اعتصاب را تحمل نخواهد کرد و با قدرت تمام مقابل خواهد کرد. اعتصاب کماکان ادامه داشت. تا اینکه در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر بدنیال بحشی که بین جمعی از کارگران ویکی از مهندسين (اکثریت) در گرفت اعتصاب شکسته شد و کارگران بسرکار خود رفتند.

در رژیمهای سرمایه داری همواره

قسمتی از دستمز کارگران توسط سرمایه داران را از اوصفت بود میشود و بصورت های گوناگون، حق بهره گیری پاداش، سود ویژه و . . . به آنها پرداخت میگردد. حق بهره گیری کار مغلدر پولی است که بعنوان پاداش در آخر سال بکارگران داده میشود و چون جزویا به حقوق کارگر محسوب نمیشود کارفرما میتواند بدخواه خود، از پرداخت آن سرباززند. اعتصاب کارگران پارس مثال برای دستیابی به این حق نافرجام ماند. کارگران در عمل دیدند که چگونه بدلیل نداشتن تشکل و سازماندهی لازم، مبارزه در نیمه راه عقیم میماند و تا تحقق خواسته بحقشان ادامه نمی یابد. این حرکت

بکارگران نشان داد که هرگاه حد اقل تشکل خود را داشته باشند هرگز فریب ساز زشکاران را نخوردند و به اعتصاب خود ادامه میدادند تا کارفرمایان را وادار به عقب نشینی کنند. همین تجارب بکارگران می آموزد که برای مقابله با سرمایه داران که اینگونه بهیشرمانه دسترنجشان را به پفما میبرند باید اقدام به تشکیل کمیته های مخفی اعتصاب بنه ایند تا ضمن مبارزه برای دستیابی بحقوق حقه خویش، در جهت پریائی اعتصاب عمومی سیاسی و سرنگونی قهرآموز رژیم جمهوری اسلامی نیز مبارزات خود را گسترش دهند.

شرکت واحد . . . بقیه از صفحه ۳

تن در اداره است. اکنون رژیم و سرسیردگانش میکوشند کارگران را به تغییراتی جزئی در قانون کار قانع نمایند. و همانطور که حزب خائنین تود میگوید به تغییراتی در چارچوب قانون اساسی اکتفا کنند، کارگران آگاه و مبارز کشورمان باید با هشیاری کافی ضمن مبارزه برای دستیابی به خواسته های جزئی و گشیه حقوق حقه خود، برای تحمیل خواسته های چون حق تشکل و اعتصاب، تعیین حد اقل دستمز

متناسب با سطح هزینه زندگی، حداکثر ساعات کار غیره به رژیم جمهوری اسلامی، بیکرانها مبارزه کنند. کارگران باید با اقدام به اعتصاب، تحصن، تشکیل مجمع عمومی و غیره خواسته های انقلابی شان را به سرمایه داران و رژیم حامی شان تحمیل نمایند.

سرسیردگان رژیم بهبود میکوشند کارگران را به اشکال قانونی مبارزه چون تهیه طومار، درخواست از مقامات و غیره وادارند. زیرا کارگران مبارز کشورمان به تجربه دریافته اند که تنها

با مبارزه مستقیم میتوانند خواسته های شان را به رژیم سرمایه داران تحمیل کنند. اما کارگران بهیشر و وظیفه دارند با توجه به سطح مبارزات چنانچه در کارخانه های نسبت به این شکل از مبارزه (تهیه طومار) در بین کارگران توهم وجود دارد، در مقابل این خواسته ایستادگی نکرد بلکه با تهیه طومار و پیگیری مسئله در عمل بکارگران نشان دهند که رژیم نه از درخواستهای آرام بلکه از مبارزات مستقیم و مخصوص اعتصاب و خوابیدن تولید و وحشت بیکران دارد.



په پرتهمی کارگران و زحمتکشان چختسه باد

انقلابی در ریند سیا هجالبهای مخوف
رژیم و بزیر شکنجه های قرون وسطایی
اسیر و هزاران تن به جوخه های اعدام
سپرده شد مانند و هزاران خانواد
در سوگ عزیزان خود هستند . خلق
ماعد خود را اسال در میان رگبار
سلسل جوخه های اعدام انقلابیون ،
توپها ی رژیم سرمایه داران ، فریاد
های همستریک در یواختنای پسانور
و بزیر ابرهای تیره و تار هیولای فقر و
مرگ به پیشواز میروند . نوروز فرا
میرسد ، اما سفره های زحمتکشان از
نان و گل خالی است و عید اسال نه
عید زحمتکشان که به شبی تیره
می ماند . این ارمغان چهار سال
حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی
است و تاهنگامی که این رژیم با هر
رژیم سرمایه داری در پرتیا برجاست ،
خلق نمیبی بجز فقر و استعمار و
سرکوب نخواهد داشت و هر روز -
فشار بیشتری بر کارگران و زحمتکشان
وارد خواهد آمد . نوروز زحمتکشان
آن روزی است که گرسنی ، بیکاری ،
بی خانمانی و آوارگی از جامعه رخت
پربندد . نوروز زحمتکشان روزی است
که سیا هجالبها و بقیه در صفحه ۲۲

کنون در هها هزار جوان و نوجوان و -
حتی کودکان نا آگاه را بکام مرگ فرو
برده و توده مردم را از رژیم خنجر
ساخته است . منابع و ثروت کشور
در خدمت جنگ ارتجاعی و برای خرید
سلاحهای آمریکایی و اسرائیلی به
تاراج میروند و جنگ بیپن ازب و ملیون
نفر از زحمتکشان میهن را از خانه و
کاشانه خویش آواره کرده است .
نوروز فرا میرسد در حالیکه رژیم -
جنایتکار بر کشتار و وحشیانه نیروهای
انقلابی ، بر اعمال زور و سرکوب و
اختناق در جامعه علیه مردم مبارز
و آگاه و علیه کمونیستها و پست
انقلابیون ادامه میدهد و هر روز بیشتر
بر سر نیزه متکی میشود . در هها هزار

نوروز بار دیگر فرامیرسد و سالسی
در پرتیا مان میگذرد . در شرایطی که
وسیمترین افشار خلق را فقر و فلاکتی
عظیم در بر گرفته است . کارگران ما
در سخت ترین شرایط روزگار
میگذرانند . میلیونها نفر بیکارند یا
شاغلبنی هستند که به زیر فشار قیمت
های گمرشکن یا سختی شب را بصبح
می رسانند چرا که رژیم جمهوری
اسلامی تمام فشار بحران را بر کارگران
و زحمتکشان سرشکن کرده است .
رژیم ضد انقلابی باز هم جنگ را
دستاویز قرار داده تا از دهان تودهها
را بخیال باطل خویش ، از مبارزه
انقلابی علیه خود منحرف سازد و این
در حالی است که جنگ خانمانسوز تا

خفقان و سرکوب ، در حد توان ، ضمن
افشای ماهیت رژیم جنایتکار جمهوری
اسلامی ، رهنمود های عقلی جهت
سازماندهی مبارزات تودهها در ده
واژ طریق انتشار اخبار مبارزات تودهها
میوندی . مناطقی بین این مبارزات باید
آورد . گرچه در طول این مدت رفقای
از تحریریه بدست در تخیمان رژیم
گرفتار آمد و شهادت رسیدند .
امار رفقای دیگری جای خالی رفقا را
پر کردند و تد اوام و وظائف انقلابی
سازمان را تضمین کردند و رژیم را در
جلوگیری از انتشار و توزیع نشریه کار
ناکام گذاردند .

کار چهار ساله شد

هیئت ، تحریریه را ادامه میدادند اما
بند ریج اپورتونسم بر نشریه غالب
شد و رفقای اولیه و بنیادنگار نشریه
بکمک سایر رفقای انقلابی پس از انشعاب
اکثریت نشریه کار را به ارگان مورد اعتماد
توده های کارگر و دیگر زحمتکشان
مبدل ساختند بطوریکه این نشریه از
پرد توده های وسیعی برخوردار گردید
وزبان گویای درد های کارگران و -
زحمتکشان بوده است .

۱۹ اسفند مصادف با آغاز
چهارمین سالگرد انتشار نشریه کار
میشد . چهار سال پیش ، بدنبال
قیام بیمن ماه و روی کار آمدن رژیم
ضد انقلابی جمهوری اسلامی سازمان
ما جهت پاسخگویی به وظائف
انقلابی افن در قبال جنبش خلق و
بویژه طبقه کارگر تصمیم به انتشار نشریه
گاز گرفت . این ضرورت از آنجا که
سازمان بدلیل کمبود کار رهای
ورزید نمیتوانست در همه جا حضور
داشته باشد تصمیم گرفت یک نشریه
سراسری منتشر سازد که قادر باشد
بمقابه مبلغ ، مروح و سازمانده عمل
نماید . هسته اولیه هیئت تحریریه
که در ضمن مبتکرین اولیه انتشار نشریه
بودند را سه رفیق تشکیل میدادند که
گرچه این امر مورد مخالفت ، پاره ای از
افراد ی که هم اکنون در راس اپورتونست
ها هستند قرار گرفت امار رفقا
توانستند این وظیفه را علیرغم مشکلات
عدید به پیش برند و همین رفقا بودند
که تا مدتی با تلاش بسیار مانع اشاعه
نقطه نظرات اپورتونیستی شدند و تا
زمانیکه مبارزه میان دودید گاه انقلابی
و اپورتونیستی به اوج خود رسید ،
همچنان بمقاومت انقلابی خود در

در خاتمه نکته ای که لازم بیاید آوری
است اینست که بدلیل مجموعه شرایط
پلیسی حاکم و بر اساس تصمیمات
پلنوم ، نشریه نمیتواند در سطح وسیع
وتوده های توزیع شود . بهمین جهت
مطالب نشریه عمدتاً در سطح نیروهای
پیشروند وین میگرد و نشریه حاوی
مطالب تحلیلی سیاسی و ترویجی
است و وظیفه بخشهای مختلف
تشکیلات و هواداران است که وظائف
تبلیغی را انجام داده و بر اساس
تحلیلهای نشریه ، وساده کردن
مطالب ، بصورت تراکت و شبنامه ،
رابطه سازمان با تودهها را برقرار
سازند .

رژیم جمهوری اسلامی که از تد اوام
انتشار نشریه کار به وحشت افتاده
بود تلاش وسیعی را برای کشف
چاپخانه آغاز کرد و مدتی نیز مزدوران
گشتی اش را در روزهای که مراد ف با
تاریخ انتشار نشریه بود به ماشین گردی
گماشت اما تمامی تلاشهای رژیم خنجر
شد تا سرانجام در اسفند ماه ۶۰ با
خیانت احمد عطااللهی خائن
چاپخانه بتاراج رژیم رفت اما پس از
ضربات اسفند تنها با تاخیر سه ماه و
پس از سازشی تشکیلات ، مجدداً -
گازانتشار یافت و هم اکنون نشریه کار
در سراسر ایران تنها نشریه انقلابی
است که توانسته است ادامه کاری
خود را تضمین نماید و علیرغم شرایط

پیروز یاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اجلاس غیر متعهد ها و رسوایی رژیم جمهوری اسلامی

هفتمین اجلاس کشورهای غیر متعهد هفته گذشته در واشنگتن برگزار شده است. بدوون شك كثرت تعداد شركت كنندگان در این کنفرانس و چشم اندازی که در مقابل آن قرار دارد، آنرا بصورت یکی از نشست های با اهمیت در سطح جهان مطرح ساخته است. بررسی مختصری از مسائل مورد بحث در اجلاس اخیر سمت گیری های رژیم جمهوری اسلامی در مورد مسائل مطروحه میتواند قدمی در جهت افشای هر چه بیشتر ماهیت رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی باشد. واقعیت اینست که امروزه گسترش یافتن بحران عمومی امپریالیزم و انتقال هر چه بیشتر فشار بحران بر توده های زحمتکش کشورهای تحت سلطه امپریالیزم و آگاهی یافتن خلقهای تحت ستم و اتحاد و همبستگی آنها بایکدیگر، انقلابات و جنبشهای انقلابی رهایی بخش به کانون اصلی ستیز علیه امپریالیزم و پانگامیهای داخلی آنها بدل گشته است. از همین رو امپریالیزم جهانی بسرگردگی امپریالیزم آمریکا از طریق کشورهای مترجع و تحت سلطه خود که در عضویت این جنبش قرار دارند تلاش کرد تا با مطرح نمودن وعده ساختن مسائل کناری، اهداف اصلی جریانات مترقی و انقلابی عضوینش عدم تعهد را - سکوت گذارد و بیا به انحراف کشانیدن آن خود را از زیر حمله ت نیروهای انقلابی برهاند. بی جهت نیست که می بینیم از همان نخستین ساعات شکل گیری هفتمین اجلاس جنبش غیر متعهد، کشورهای مترجع و وابسته به امریکا مسئله افغانستان و کامبوج را عمده میکنند تا از این طریق، اهداف کنفرانس را از بررسی مسئله بحران خاور میانه و امریکای مرکزی دور نمایند. اما در مقابل قطب انقلابی کنفرانس متشکل از ویتنام، کوبا، نیکاراگوئه، انگولا، موزامبیک و... تلاش کردند تا کنفرانس را متوجه اهداف اساسی آن یعنی محکوم نمودن تهاجم سیاسی نظامی امپریالیزم امریکا و اسرائیل به لبنان، پشتیبانی از انقلاب فلسطین خنثی نمودن تلاشهای مترجعهانسه امپریالیزم امریکا برای خفه کردن انقلاب در امریکای مرکزی بویژه تهدیدهای دولت انقلابی نیکاراگوئه و سرکوب سازمان قهرمانانه خلق السالوادور و محکوم نمودن جنگ ارتجاعی ایران و عراق نمایند.

در این میان رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی، علیرغم تبلیغات و های وهوی که میکند خود مبنی بر مبارزه ضد امپریالیستی تلاش میکند با مطرح نمودن وعده ساختن مسئله در واپس قدرت شرق و غرب. عملا اهداف امپریالیزم امریکارا در این کنفرانس متحقق سازد. دولت جمهوری اسلامی با اهداف زیر قدم به کنفرانس گذارد: ۱- جلب پشتیبانی دولتهای شرکت کننده در کنفرانس برای ادامه جنگ در شرایطی که همه دولتهای انقلابی و مترقی جهان وحتى دول ارتجاعی عضوینش مسئله صلح و پایان دادن به جنگ فی مابین دولتهای ایران و عراق را مورد تأکید قرار داده اند. رژیم که از این جنگ بعنوان حربهای جهت سرکوبی مبارزات و خواستهای حق طلبانه کارگران و پرزحمتکشان ایران استفاده مینماید قصد داشت تا برای کاهش فشار دولتهای مترقی جهان دست به تبلیغات عوامفریبانه زده و اهداف خود را از جنگ پنهان در اردو اماد را بنمورد با شکست مفتضحانه ای برپروشد.

۲- طرح مسئله افغانستان - در شرایطی که همه دول امپریالیستی و کشورهای مترجع منطقه از جمله پاکستان با کمکهای بیدریغ نظامی به جریانات ارتجاعی افغانستان سعی در بقدرت رساندن این عوامل سیا در آرنده رژیم جمهوری اسلامی نمیزد. علاوه بر کمکهای همه جانبه و بیدریغ به این جریان ارتجاعی سعی داشت با عمده نمودن مسئله افغانستان مجری سیاست امپریالیزم امریکا باشد اما در این مورد نیز شکست خورد.

۳- طرح مسئله در واپس قدرت - در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان در موارد وابستگی به امریکا قرار دارند و به اشکال مختلف تحت سلطه اقتصادی سیاسی نظامی امپریالیزم جهانی بسرگردگی امپریالیزم امریکا بسر میبرند، رژیم جمهوری اسلامی تحت پوشش مبارزه با امپریالیزم شرق و غرب عملا در جهت نزدیکی هر چه بیشتر با امپریالیستها گام برداشتند و با طرح اردو و گام سوسیالیسم بشابه امپریالیزم شرق، سعی در انحراف بقیه رصفحه ۲۲

بودجه سال ۶۲ :

غارت زحمتکشان و

منابع ثروت ملی

مباحثات مربوط به بودجه سال ۶۲ یکبار دیگر عمق تناقضات رژیم را به عینه هوید ساخت. یکبار دیگر بحران لانحل اقتصادی ایاماد عظیم خود را در بودجه سال ۶۲ که اخیرا به تصویب مجلس رسید، نشان داد. در این بودجه وابستگی به درآمد نفت با زهم افزایش یافت. کسری بودجه بیست و هفت میلیارد تومان نمایانگر ورشکستگی اعمار و به تازمه رژیم است و بالاخر ساختار بودجه سال ۶۲، با افزایش با زهم بیشتر مالیاتها، با زحوم، گرانی و فلاکت را بیش به پیش به توده ها تحمیل کرده و شرایط معیشتی زحمتکشان را از این هم بدتر خواهد ساخت. به همین دلیل است که در مباحثات مربوط به بودجه در مجلس ناگهان بسیاری از تناقضات درونی رژیم آشکار شده بیرون می افتد و سرمد مداران خون آشام رژیم یکبار دیگر از زیر تاز پانسه میگیرند.

طبق آمار رسمی رژیم که البته رد پای هزاران دروغ و تزویر از آنها مشاهده میگردد، بودجه عمومی دولت در سال ۶۱ حدود ۳۷۱ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است.

نخستین مسئله ای که در این بودجه پیش از هر چیز جلب توجه مینماید تکیه با زهم بیشتر بر پول نفت صادراتی است. در این بودجه همیشه بینی شده است که در آمد حاصل از نفت نزدیک به ۴۰۰ میلیارد تومان از بودجه را تامین نماید. رژیم که از یکسویا توجه به افزایش نا رضایتی توده های زحمتکش از درآمد های حاصله از تولیدات داخلی بی بهره است و از سوی دیگر جهت تد اوم سرکوب خونین توده ها و حفظ ماشین پرخرج سرکوب خویش ناچار از تحمیل مخارج سنگین است سر اسیمه به جاههای نفت این منابع گرانقدر میهن ماروی آورده است تا بابه غارت دادن این منابع هزینه های طرحهای جنون آمیز سرکوب و اختناق را بدست آورده همچنین از همین بودجه بارها کوشیده است بقیه رصفحه ۱۷

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



پرسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

نواهی مبارزات - زحمتکشان (غیرپرولتر) و دهمبندی مبارزات کارگران محققیسه کوتاهسی بین مبارزات آنها در طی این دوره مبارزات و رژیم .

نگاهی به گزارش مبارزات زحمتکشان شهروروستا (ونه صرفاً حد دل نمونه) نشان میدهد که به طور کلی از ۳ خرداد به بعد در بین تشدید جوهری و وحشت و سرکوب عریان توسط رژیم، علیرغم حضور و فعالیت نمایندگان سیاسی خسرده - بورژوازی در جامعه (مجاهدین خلق) این اقتضای مبارزاتی شدیدی مواجه بوده اند. در مدارس با قدرت گیری انجمن اسلامی، اعمال فشارهای امورتربیتی و مسئولین حزب اللهی، در غیاب بسیاری از دانش آموزان مترقی و انقلابی گاه دستگیر شده و بابه جوخه های اعدام سپرده شده اند مبارزه مستمری از سوی دانش آموزان مشاهده نمیشود مگر در مواردی معدود که آنها هم اغلب کم دوام بوده و بیا به عدم موفقیت منجر گشته اند. این امر علیرغم نفرت اکثریت عظیمی از دانش آموزان نسبت به رژیم و ارگانهای وابسته بدان است. البته در برخی موارد حرکتی اعتراضی شکل گرفته ولیکن به علت آنکه جهت مشخص نداشته و خواسته دانش آموزان را نتوان و میزان تشنگی شان تطبیق نمیکرد و رهبری انقلابی بر حرکت اعمال نشده، حرکت بجائی نرسیده است. در مدارس عمدتاً آن حرکتیهای -

توانسته به نتیجه برسد که جنبه مقاومت منفی و عدم شرکت و تحریم داشته، آنها در جایی که امکان اعمال کنترل مزدوران حزب اللهی بر دانش آموزان نبوده یا ناچیز بوده است. از جمله این موارد تحریم راهپیمایی ها و مراسم رژیم (چون راهپیمایی اول مهر، روز سیخ و مراسم ۱۳ آبان) را میتوان نام برد. البته چنانکه گفتیم در نهایت تشویر دانش آموزان بر علیه رژیم است و به همین خاطر هر چه میگرد رژیم برای جمع کردن با اصطلاح "سیاه لشرک" برای مراسم خود به اقتضای جوان تر دانش آموزی و حتی کودکان دبستانی متوسل میشود، در سطح راهنمائی و دبیرستانها (بخصوص دبیرستانها)

امید زیادی به همکاری ندارند و با مخالفت بیشتری روبروست، اما بهر حال به علل مختلف چون حاکمیت جوهر کوب بر مدارس، ضعف پیشرو . . . مبارزات در مدارس در حد محدودی بوده است.

از سوی دیگر در محلات، گرانی و کمبود ارزاق و فشار روز افزون اقتصادی در کنار نارضایتی عمومی علیه رژیم - سبب شده تا صفهای طویل ارزاقی به مجلس برای گفتگو در زمینه مشکلات سیاسی و اقتصادی تبدیل شوند. در صف ها غالباً، حزب اللهی ها مشخص میشوند و مردم طوری صحبت میکنند که آنها متوجه نشوند. همین تبادیل خبرها و صحبت در رسانه مسائل و معضلات جامعه هر چند که بسیار ناهاهنگ و پراکنده صورت میگیرد، سبب شده تا مردم بوجود نارضایتی علیه رژیم در ابعاد وسیع پی برده و خود را تنها محس نکنند. این مسئله کمک موشری در شکل گیری حرکتیهای جمعی نموده است. - طولانی شدن تحویل جنس مربوطه، معیوب یا نامرغوب بودن آن، تبعیض در توزیع پارعات نوبت، اعتراضاتی را بر می انگیزد و گاه به غلیان خشم مردم منجر میگردد و بطوریکه در آبان ۶۰، حدود ۷۰ نفر از زحمتکشان یکی از شهرهای جنوب پس از انتظار طولانی برای دریافت مرغ همباز به یورش میبرند و مرغها را بر میدارند.

در ارد ۶۰ در ارمیه در اعتراضی به پاسداری که خارج از نوبت مرغ میخواست کارگری با بیل به پاسدار حمله میکند و مردم نیز از او حمایت میکنند و علیرغم حمله پاسداران و تیراندازی هوایی، با مقاومت متحد مردم، پاسداران عقب منشینند و فرار میکنند. عین همین حرکت در دی ماه ۶۰ در یکی از مناطق جنوبی تهران اتفاق می افتد. نمونه اینگونه حرکتها بسیار گزارش شده است و ولیکن اغلب آنها بهمان حالت جرقه دار و ناگهانی که شروع شده به پایان رسیده اند.

از دیگر نمونه های حرکتیهای اعتراضی زحمتکشان میتوان از مقاومت سرسختانه ساکنین شهرکهای زحمتکش نشین در مقابل تخریب خانه های ایشان نام برد. رژیم ضد خلقی که با تدویم اجرای ماده ۱۰۰ شهرداری روی نیک پی راسفید کرده است یورش گسترده ای را به مناطق اطراف شهرهای بزرگ بخصوص تهران) که محل زندگی اقشار

پائین خرد بورژوازی و کارگران و محل زندگی به اصطلاح حاشیه نشینها بحساب می آید و همچنین شهرکهای کارگری و زحمتکش نشین سا زمان داده است. در این یورشهای ضد انقلابی رژیم در اکثر موارد گزارش شده - ناگام مانده است. آبان ۶۰ زحمتکشان بافت آباد تهران در مقابل تلاش برای تخریب خانه ها - ایشان دست جمعی به ماشینهای شهرداری و پاسداران حمله میکنند و فراری شان میدهند. دی ماه ۶۰ در خیابان مولوی تهران، تیر ۶۱ در دروازه غار عین همین حرکت صورت

میگیرد که اولی موفق و دومی ناموفق میماند. در شهرکهای کارگری و زحمتکش نشین نیز نمونه های فراوانی وجود دارد. تیر ۶۱ در خاک سفید زحمتکشان از تخریب الوتک ها جلوگیری میکنند به جیب ژاندارمری حمله نموده فرمانده را مضروب میسازند. مرد ها چند روز مرخصی میگردند تا از خانه هایشان مراقبت کنند و در نتیجه حرکت در این مرحله به موفقیت می انجامد لیکن ماه بعد یورش سازمان یافته پاسداران در حالیکه با شعار "دولت مستضعفین خانه خراب میکند بر سر مستضعفین اهالی مواجه میشود، حرکت اعتراضی آنان را ناموفق میکند ارد ۶۱ در قلعه حسن خان و شهر یورماه در موسی آباد جاد مساوه که شمارهای ضد رژیمی نیز بگوش میرسد حرکت مردم به موفقیت می انجامد. بدین ترتیب مقاومت زحمتکشان در زمینه جلوگیری از تخریب منازلشان را میتوان از مهم ترین حرکتیهای اعتراضی و اغلب موفق آنان در فاصله مهر، ۶۰ تا مهر ۶۱ ارزیابی نمود، هر چند در این جا هم حرکتها صرفاً بصورت واکنشی در مقابل تهاجم رژیم شکل گرفته و در همین حد باقی مانده اند.

در روستاها اما، بجز میتوان ادعا کرد که دهقانان هنوز در سطح وسیعی علیه رژیم برانگیخته نشدند و به علت ضعف آنها و وجود توهمات سنتی در ذهنیت آنها بندرت حرکت اعتراضی از سوی آنان در این دوره - شکل گرفته است و تنها در آبان سال ۶۰ با تحریم فروش برنج بدولت از سوی دهقانان شمال مواجه بود ایم. البته اطلاعات ما در زمینه مبارزات دهقانی فوق العاده ناچیز است ولی در حدی کلی، واقعیتها جمع بندی فوق را تأیید میکنند.

در ادارات بقیه در صفحه ۸

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



و موسسات دولتی نیز، کارمندان تحت تاثیر جواختناقی جامعه و فقه الهیت جاسوسان رژیم در این واحد ها عملاً مبارزات چشمگیری نداشته اند. در مقابل کاهش دستمزدها یا مزایا، در مقابل افزایش فشار و تضییقات دیگر چون حساب اجباری و شرکت در انتخابات رژیم و... در اغلب موارد به اعتراضهای شفاهی و لفظی اکتفا کرده اند.

بدینسان مقایسه مبارزات زحمتکشان شهرو روستا با مبارزات کارگران به نتایج بسیار مهمی منجر می شود که از نکات برجسته در روند مبارزاتی توده ها است و آن اختلاف سطح موجود بین مبارزات کارگران و اقشار مختلف زحمتکشان شهرو روستا است. در فاصله یکسال از مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ چنانکه گفتیم علیرغم حضور فعال نمایندگان سیاسی خرد و هیورژواری در جامعه، بطور کلی خرید هیورژواری به نسبت طبقه کارگر منفعل و دچار افت جدی در مبارزات خویش بوده است. این در حالی است که کارگران در دفاع از حقوق اقتصادی - صنفی خود، مبارزه برای بازگشت اخراجیون یا جلوگیری از دستگیریها و اخراجها، مبارزه با آزارگانه ها و عناصر وابسته رژیم در کارخانجات مستقر در رصحنه مبارزه حضور داشته و بارها و بارها بطرق مختلف در بسیاری موارد با استفاده از سلاح اعتصاب موجودیت مستقل خود را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل نموده اند. طبقه کارگر در شرایط عدم مداخله فعال پیشاهنگ

و پیشرو انقلابی در مبارزات، علیرغم بهای سنگینی که بصورت دستگیری کارگران آگاه و مبارز و اخراج بسیاری از کارگران برداخته اند، در طی این مدت عمده نیرویی بودند که علیرغم جسورگی و خفگان حاکم برجایمانه محکم و استوار و مستمرا مقاومت مبارزه کردند و مانند استه گردقت بحرکتهای اعتراضی اقشار خرد هیورژواری توجه کنیم خواهیم دید که مبارزات آنها - آنجا که چنین حرکتی صورت گرفته - به مراتب بیشتر از مبارزه کارگران حالت ناگهانی و طغیان وار و شورشی داشته و در حالیکه در اعتراضات شفاهی فعالتر از کارگران منظر می آیند، اما در مبارزه مستمر و واقعی علیه رژیم کمتری را پیشتر گذاشته و بیشتر تحت تاثیر رعب و سرکوب رژیم قرار گرفته اند و به همین خاطر کارنامه مبارزات خرد هیورژواری در فاصله یک ساله مورد نظر چشمگیر نیست. اختلاف سطح مبارزات کارگران و اقشار مختلف خرد هیورژواری را در بررسی کلی مبارزات آنها میتوان مشاهده کرد. در مهر ۶۰ در حالی

بررسی

بقیه از صفحه ۷

که در ادارات جوسنگین اختناق کارندان را از توسل به سادترین شیوه مبارزه باز می دارد و جز کم کاری و تحریم آنها به شکل منفعل بندرت اشکال دیگری دیده میشود، و در حالیکه پیشرفته ترین شیوه مبارزاتی، اعتراض در صفاها برای دریافت سهمیه بیشتر و بهتر است، همزمان با این کارگران استار لایت و فرنسخ قزوین برای بازگشت اخراجیون - اعتصاب میکنند و این اختلاف سطح در راستمزار و دیگری مبارزات در تمامی این یکسال شاخص است. شاید برجسته ترین حرکت مبارزاتی زحمتکشان در این مدت را میتوان حرکتی اعتراضی آنان در شهرکهای اطراف تهران چون شاد شهر، شاد آباد، قلعه حسن خان و... دانست که در چندین مورد به راه بندان و درگیری با مزدوران رژیم منجر شده است ولی همین نمونه نیز از زاویه طبقاتی قابل توجه فراوان است. توجه به اینکه ترکیب طبقاتی این شهرکها اغلب شامل کارگران و اقشار فقیر خرد هیورژواری است و همین امر تأثیری است بر تحلیل و جمع بندی مامینی بر اینکه گذشته از برتری مبارزاتی کارگران در این مرحله در میان اقشار خرد هیورژواری نیز، آن بخشی که نزد یکتر مبر و ولتاریاست توان مبارزاتی بیشتری از خود بروز میدهد و رزمنده تر عمل کرده است. تازه اگر بخواهیم به بررسی دقیق تری بپردازیم خواهیم دید که در میان مبارزات کارگران نیز مبارزه در کارخانه ها و صنایع کلیدی - چون صنایع دفاع، حمل و نقل و... که هم بلحاظ اهمیت که از نظر استراتژیک برای رژیم دارند و هم بلحاظ سطح بالا تراکاهی و تجربه مبارزاتی به نسبت دیگر واحدهای صنعتی (هر چند مبارزات کارگران این مراکز نیز همانند اکثر کارخانه ها عمدتاً در سطح اقتصادی و صنفی بوده) با موفقیت و استمرار بیشتری توأم بوده و به اشکال متفاوت و اغلب عالیتری متناسب با درخواستها ارتقا یافته و مبارزه بدین صورت تداوم یافته است. به عنوان نمونه در مهر ۶۰ کارگران مهمانسازی برای جلوگیری از اخراج سه کارگر از طریق امضا طوماری به نتیجه می رسند. در آبان ماه در مقابل خد و کانی پدای مستقل خود در انتخابات به تحریم انتخابات مهاجرت می ورزند و موفق میشوند. در بهار ۶۰ نیز اخراج استاد کاورخواستار میشوند و برای

تحقق این خواسته به اعتراضات جمعی دست می زنند و مسئولین بناچار تن به این امر میدهند. در نمونه ای دیگر در بهر قواگنهای راه آهن در آذرماه، کارگران پرداخت حق اضافه کاری به شکل سابق را مطالبه میکنند و موفق میشوند. در اردیبهشت ۶۱ در راه آهن در مبارزه برای کاهش ساعات کار علیرغم ورود پاسداران، زودتر از موعد از کارخانه خارج میشوند در خرد ادحق اضافه کاری عهد را خواستار میشوند و پس از یکماه و تحریم اضافه کاری بالاخره با پیگیری خود به موفقیت میرسند و...

بدین ترتیب میتوان جمع بندی کرد که در طی یکساله بین مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ اولاً طبقه کارگر به نسبت اقشار مختلف خرد هیورژواری و زحمتکشان شهرو روستا بیشتر و پیگیر تر و با استمرار بیشتری مبارزات خویش را تداوم بخشید و به بتدریج مبارزات تر ارتقا یافته ولیکن در مورد خرد هیورژواری عمدتاً تا باینکه افت مبارزاتی مواجه بود ایم و طی این مدت علیرغم بروز حرکتی اعتراضی آنان، اغلب این حرکات حالت لحظه ای و جرقه وار داشته و تداوم نیافته است. و ثانیاً در میان کارگران کارخانجات نیز واحدهای صنعتی و استراتژیک و کلیدی در مبارزات کارگری از کارنامه درخشان تری برخوردار بود و از میان اقشار مختلف خرد هیورژواری، زحمتکشان شهرکها که عمدتاً از خرد هیورژواری پائین تشکیل یافته اند بیشتر از دیگر اقشاران در عرصه مبارزه رویاروی رژیم ظاهر شده اند.

گمون جاودانه است

۱۸ مارس (۲۸ اسفند) سالروز کمون پاریس است. روزی که پاریس کارگرها خاست، ۷۲ روز حکومت نمونه زحمتکشان را به نمایش نهاد، لرزه بر اندام بورژوازی افکنید و الگو رهنمونی شد بر مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر جهان.

مادر شماره آیند به بررسی کمون پاریس خواهیم نشست. اینگونه چگونه بقدرت رسید، چگونه مائشین دولتی بورژوازی را درهم شکست چگونه ارتش خلق را به نمایش گذارد چگونه شکل نوینی از دولت را به نمایش گذارد و اینکه چرا کمون نتوانست قدرت را حفظ کند و چرا علیرغم این مسئله کمون جاودانه است.



روزم . . . بقیه از صفحه ۱

با عبارات ناقص و افسار خلاق از گستردگی و کیفیت بالاتری برخوردار بود. این واقعیت یکبار دیگر مهر تأیید بود بر نقش و رسالت پرولتاریا در جامعه سرمایه داری، اینکه پرولتاریا تنها طبقه تابه آخر انقلابی است، و اینکه تاریخ رسالت دگرگونی جامعه را به عهده وی گذاشته است، و لذا تنها تحت رهبری این طبقه تابه آخر انقلابی است که جامعه از قید فضولات ارتجاع سرمایه داری می تواند رها شده و قدم در راه آزادی و سوسیالیسم گذارد. اما خوش باوری خواهد بود اگر تصور شود که این رسالت بسادگی، بی درد سر و سریع انجام خواهد رسید و یا پیروزی در یک قدمی است.

در این که مبارزات کارگران، رو به گرفته، چه از نظر کمی و چه کیفی از مبارزات سایر توده ها در سطح بالاتر و عالی تری قرار داشته، جای هیچگونه شبهه ای نیست. این یک واقعیت بی تردید است. در عین حال بررسی اشکال مبارزات کارگران نشان میدهد که هم در شکل مبارزه و هم در مضامین مبارزه با ناهمگونی، کمسنگی، پراکندگی و محدود بودن مبارزات کارگری و پیرو بود. اشکال غیر مستقیم مبارزه (مثل کم کاری و تحریم) به عمومی ترین شیوه مبارزاتی بدل شده و اشکال مستقیم مبارزه از شیوه های عقب مانده گرفته تا سطح پیشرفته مثل مراجعه مسئولین و تهیه طومار، اعتصاب و مجازات مزدوران رژیم، در مرحله بعدی، یعنی پس از اشکال غیر مستقیم مبارزه، قرار داشته است. بی شک سرکوبهای قرون وسطایی رژیم، در کاهش کیفیت مبارزات، پراکندگی، محدود بودن و نیمه کاره ماندن پاره های مبارزات، دارای تأثیرات بسیار مخربی بوده است. لیکن این فقط یک سوی قضیه است. در سوی دیگر باید به ضعف جنبش کارگری اشاره کرد که به علت نبود آگاهی کافی و تشکیلات لازم، مبارزات کارگری و انبساط آن از آبره تنگ کمونی فراتر رفته، گسترده و توده های شود، اکنون مسأله ای که برای پیشرو کارگری مطرح است، این است که چگونه باید به این پراکندگی، کمسنگی و ناهمگونی مبارزات کارگری غلبه کرد و اشکال موجود مبارزه را بشکلی عالیتری در راستای سیاست عمومی پرولتاریا -

آگاه یعنی اعتصاب عمومی سیاسی، ارتقاء در ۲
ما، در کار ۱۳۶۱، با بررسی پروسه تکوین مبارزات طبقه کارگر، به بررسی تحولات تاریخی که در اشکال مبارزات پرولتاریا همزمان با رشد مناسبات سرمایه داری و اجتماعی شدن کار وجود آمد پرداخته و دریافتیم که مبارزات طبقه کارگر، بطور کلی، در هر دوره منعکس از درجه انکشاف مناسبات سرمایه داری، و وضعیت توده های کارگر و میزان آگاهی و سازماندهی وی از جهت مضامین و اشکالی برخوردار بود است، و بدین ترتیب به سیر مبارزات کارگران از اشکال منفرد و پراکنده تا اشکال جمعی، و از مضامین صرف اقتصادی و سندی و کالیستی تا مضامین سیاسی و تلفیقی آن با اندیشه های سوسیالیست و مکتب مارکس برگزیده نمودیم. آگاهی به پروسه تاریخی تکوین مبارزات طبقه کارگر، پیشرو را به روند قانونمند جمیع اشکال موجود مبارزات پرولتاریا واقف میگرداند و جایگاه اشکال مختلف موجود مبارزه را در پروسه تکاملی مبارزات مشخص کرد و پله های بعدی صعود را می نماید. در حقیقت شناخت نسبت به پروسه تکوین مبارزات کارگری، تنها تا آنجا مفید فایده می باشد که مسیر عمومی حرکت را مشخص کرد و مراحل را که جنبش طبقه کارگر تا ارتقاء به اعتصاب عمومی سیاسی باید بگذراند، روشن میکند. البته در همین جا این نکته را متذکر شدیم که سیر نمودن مرحله تکاملی اشکال موجود و تعیین نمودن پله های بعدی صعود تا مرحله اعتصاب عمومی سیاسی، به معنای این نیست که محتوا و الزام اشکال موجود باید سیر تکاملی تدریجی و طبیعی خود را پله پله طی کرده و ارتقاء یابد. پیشرو کارگری بهیچوجه اعتصاب و یا اشکال عالیتر مبارزه را نسبت به آنچه که اکنون موجود است موقوف به از سر گذراندن تمامی مراحل نمیکند، بلکه بنا به توان و شرایط عینی و ذهنی، راستای عمومی ارتقاء مبارزات را مد نظر میگیرد. به عنوان مثال در بعضی از کارخانه ها (بنا به دلایلی که در اینجا مورد نظر نیست) کارگران خواسته های خود را از طریق مراجعه به مسئولین و یا نامه نگاری بیان کرده اند. با توجه به شرایط حاکم بر اجتماع و آن سیر تحولات مبارزات کارگری، این شکل از مبارزه در مراحل ابتدائی و عقب مانده ای قرار دارد و تا مرحله اعتصاب پله ها و یا مراحل مختلف دیگری (مثل کم کاری و...) وجود دارد. اما پیشرو کارگری، ضمن درک این مسأله و بکارگیری تاکتیکهای

مختلف، برای ارتقاء اشکال مبارزاتی این سری از کارگران، در مواجهه با ناهمگونی مبارزات کارگران نباید در مقابل اشکال و خواسته های عقب مانده موجود سر تسلیم فرود آورد. با این تصور که به علت وجود ناهمگونی در سطوح مبارزه فقط با اتکا به اشکال عقب مانده که تمامی کارگران بسیاری شرکت در آن را داشته باشند، میتوان صف متحد طبقه کارگر را متشکل ساخت و از آن به بعد اشکال و مضامین مبارزه را با اتخاذ تاکتیکها و طی مراحل معینی، پله پله ارتقاء داد. بدیهی است که چنین درکی از تلفیق اشکال مبارزات کارگران، تسلیم شدن در مقابل اشکال عقب مانده است. شناخت از مسیر عمومی حرکت، اشکال موجود مبارزه، در هنجار طبقه کارگر در هر پاره از زمان و میزان آگاهی طبقاتی و ویژگی جنبه از مسأله ارتقاء اشکال موجود مبارزه است. اما جنبه پیوسته و بیلا واسطه دیگری در این روند را نیز باید مد نظر قرار داد. برای ارتقاء از اشکال موجود مبارزه به اعتصابات و در سطح جامعه برپایی اعتصاب عمومی سیاسی، نه تنها مستلزم تشخیص مضامین و اد که کدامیک از اشکال مبارزه و چگونه این اشکال میتواند به یک اعتصاب تبدیل گردد، بلکه همچنین ضروری است که از اشکال مقابل سرمایه داری و رژیمهای وابسته به آنها با مبارزات کارگری بی واسطه و اعتصابات بطور خاص، شناخت کافی داشته است. در مبارزات کارگری با نمونه های بسیاری مواجه بودیم که چگونه اعتصاب بزرگساز که واقف به اشکال مقابل بورژوازی و اعتصابات بود هاند، پیروز گشته و قادر گشته اند بورژوازی را وادار به عقب نشینی کنند، در حالی که کارگرانی که بدین امر بهای لازم را ندادند و بیاد آن آگاه نبود هاند در مبارزه خود با شکست مواجه شده و یا نتوانسته اند بخوبی از امکانات موجود استفاده کنند.

بورژوازی چه در سطح کارخانه و چه در سطح جامعه از طریق مختلف سعی میکند مبارزات کارگران، به ویژه اعتصابات آنها را سرکوب کند. بورژوازی از همان ابتدای پیدایش خود به انحاء مختلف کوشید که مبارزات پرولتاریا، این گورگن فردای خود، را در نقطه خفه کند و مانع حرکتهای جمعی آنها شود. اگر چه پرولتاریا با مبارزات تاریخی خود قدم به قدم امتیازات را کسب نموده، اما همواره، بورژوازی، هر جا که منافع اساسی خود را در خطر دید هومی بیند با سعیهای هر چه تهاجمی و با شیوه های بقیه در صفحه ۱

رژیم جمهوری اسلامی را باید پایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

مختلف بمقابله سرکوب کارگران پرداخته است، آیا اعمال حکومت ارتجاع در یکسال گذشته مویزد این امر نبود فاست ؟ از این نظر تا کتیکهای راکه پرولتاریای آگاه برای ارتقاء اشکال مبارزاتی موجود بکار میگرد ، نمیتواند در ارتباط باشیوه - های سرکوب سرمایه داران وحکومت قرارنداشته باشد .

بنابر این برای شناخت از چگونگی حرکت و ارتقاء مبارزات ، تنها کافی نیست گها اشکال موجود مبارزه پرولتاریا از قبیل تحریم و کم کاری را در نظر گرفته و تاکتیکهای خود را بر آن مینگاستوار سازیم ؛ بلکه همزمان با آن - لازم است که در ریاضیم بورژوازی از چه شیوه هایی در سرکوب مبارزات استفاده میکنند و در هر مقطع مشخص کدامین شیوه حالت مسلط را بخود میگرد . مثلاً در یکسال گذشته بورژوازی به چهار شیوه عمومی در خنثی کردن و شکست گشاندن مبارزات کارگری متوسل شده است . این شیوه ها عبارتند از : اخراج ، دستگیری تهدید به اخراج و دستگیری و ایجاد تفرقه ویرا کندگی در صورت عدم کارائی این شیوه ها ، فراخواندن پاسداران به درون کارخانجات . آنچه که در مقابل اشکال مبارزه کلرگران باشیوه های سرکوب بورژوازی بچشم میخورد ؛ وجود پراکندگی ، محدود بودن و کمبستی در اولی است ، و بر عکس یک هماهنگی نسبی در یکگیری شیوه های سرکوب در کارخانجات متعدد در دومی میباشد ، چرا این چنین است ؟ زیرا سرمایه پیوسته بصورت متمرکز و واحد عمل میکند ، بورژوازی بیک کارخانه جبراً اقتصادی و دستگاه ولتی بعنوان طبقه در مقابل مبارزات کارگران عمل مینماید . حال آنکه مبارزات کارگران در کارخانجات مختلف ، طی دوره مورد بحث ، نتوانست پرولتاریا را بشناسد . یک طبقه در مقابل بورژوازی قرارندهد . شوخی تاریخ را بنگر که بورژوازی نه تنها گوین فردای خود را سازمان میدهد بلکه در عمل مبارزاتی به وی میآموزد که تنها از طریق اتحاد و بمشابه یک طبقه میتواند رسالت خود را به سرانجام رساند !

هر آنچه که در مبارزات کارگران یک کارخانه با سرمایه دار منفرود میکند ، در چارچوب تضاد و رابطه کار با سرمایه در سطح جامعه ، انجام میدهد . بنا بر این پرولتاریای آگاه برای اینکه تاکتیکهای مشخص خود را در کارخانه برای ارتقاء اشکال مبارزاتی معین نماید ، باید همواره بیاد داشته باشد که آن تاکتیکهای ویژه در رابطه با مبارزه طبقاتی در سطح جامعه و در

روز
بقیه از صفحه ۹

پیوند با آن میتواند کار ساز باشد . شیوه های مقابله یک سرمایه دار منفرود با کارگران در ارتباط است باشیوه های مقابله بورژوازی در کل جامعه . شیوه های مبارزاتی پرولتاریا در هر کارخانه ، نیز ، اگر نخواهد در دراز مدت تنگ منافع صنفی کارخانه محبوس بماند نمیتواند در پیوند با مبارزه پرولتاریا بشناهد . پس قبل از اینکه به جنبه تاکتیکهای راکه پرولتاریا در مقابله باشیوه های خاص سرکوب بورژوازی - اتخاذ میکند بپردازیم ، باید آن ابزار و الزاماتی که طبقه سرمایه را بشناهد و طبقه در مقابل کارگران قرار میدهد و آنها را به تمکین فرامیخواند ، شناخته و از این طریق ابزارهای لازمی که پرولتاریا ، در سطح عام ، بآنگه بر آن میتواند در مبارزه طبقاتی اش ، یعنی در روبرو بر علیه سرمایه ، بکارگیرد را بازیابیم .

همه شیوه های راکه سرمایه داری برای مقابله مبارزات کارگری و در هم شکستن اعتصابات آنان بکار میگیرد مبتنی بر دو ابزار اساسی است : دستگاه جبر اقتصادی و دولت بمشابه ارگان سیادت طبقاتی . شیوه های متفاوت سرکوب راکه بورژوازی در هر کارخانه بکار میگیرد در نظر بگیریم : اخراج ، تفرقه بین کارگران ، تطمیع ، فراخواندن نیروهای نظامی و غیره ، همه به دور یکی از دو محور اساسی فوق درور میزند ، از همین روست که شناخت پایه های شیوه های مختلف سرکوب بورژوازی برای مقابله با آن شیوه ها ضرورت معنی می یابد . حال گمی بیشتر به آن دو مسأله اساسی که بورژوازی از آن طریق کارگران را به تمکین فرا میخواند ، بپردازیم .

نظام سرمایه داری برای اولین بار شیوه استثمار مستقیم اقتصادی را جایگزین شیوه های غیر مستقیم نظامات ماقبل سرمایه داری کرد . بورژوازی با پیدایش و گسترش خود ، از پیشه وران و دهقانان سلب مالکیت کرد ، همه ابزار تولید را در دست خود متمرکز نمود و گروهی بی ابزار را که فقط نیروی کار خود را داشتند ، روانه بازار نمود . کارگران ، این سلب مالکیت شدگان تاریخی ، برای ادامه زندگی جز فروش تنها چیزی که متعلق به آنها بود ، یعنی نیروی کار ، هیچ چاره ای نداشتند . از آن پس ، این طبقه برای زیستن ملزم بفروش نیروی کار خود به آن

گروهی گردیده است که صاحب ابزار تولید میباشد ، یعنی طبقه سرمایه دار . کارگران مختارند (و در این مورد بورژوازی آزادی آنها را محترم شمرده است) کهنیروی کار خود را به هر سرمایه دار منفرودی که ممکن باشد و یا مایل باشند بفروشند ، اما آنها ملزم هستند که به هر صورت این نیروی کار را به طبقه سرمایه دار بفروشند و در مقابل آن ارزش نیروی کار را که برابر با مزد باشد دریافت کرده و برای ادامه زیست یعنی خرید خوراک و پوشاک و غیره ، دوباره آنرا به سرمایه داران - مسترد دارند . مزد بمشابه بیان پولی ارزش نیروی کار در حدی است که کارگر بتواند خود و خانواده خود را زنده نگاه داشته و باز تولید نماید ، تا به این ترتیب پروسه گردش سرمایه برای بکارگیری کار کارگران مختل نشود . بمبارت دیگر مزد عبارتست از حد اقل معیشت زندگی . بنا بر این وقتی کارگران بامبارزه روی می آورند و اعتصاب میکنند ، اگر چه پروسه گردش سرمایه ، تولید و باز تولید ، را مختل می کنند ، اما در عین حال جریبان زندگی خود را که بر پایه کار مزدوری قرارندارد نیز مختل میکنند و بنا بر این در شرایط عادی (و بدون تدارک همه جانبه و گسترده) نمیتوانند بمدت طولانی بمقاومت در برابر سرمایه بپردازند .

این درست است که انباشت سرمایه و زندگی شخصی سرمایه داران بر پایه خرید نیروی کار و کسب ارزش - اضافی استوار است و یک اعتصاب وقفه ای است در این روند ؛ اما برای سرمایه دار این امکان وجود دارد که سرکند و طی این مدت از شروتنش امرار معاش نماید و تازه این در حالی است که هیچ مقاضی فروش نیروی کار در - بازار یافت نشود که وی بتواند آنها را حائشین اعتصابیون نماید . اما کارگر قادر باین کار نیست ، او فقط از دستزدش زندگی میکند و باین جهت باید در هر زمان و تحت هر شرایطی بکار بپردازد .

اگر فقط از زاویه قطب سرمایه به دستزد ها بنگریم ، گرایش عمومی در کاهش مستمر سطح دستزد ها قرار دارد . اما ارزش نیروی کار ، یعنی حد اقل معیشت زندگی ، یک مفهوم خشک ، مجرد و ایستا نیست ، بنا به چگونگی انکشاف مناسبات سرمایه داری ، موقعیت طبقه کارگر کلا مبارزه طبقاتی میتواند تغییراتی بیاید . بنا بر این وقتی صحبت از گرایش عمومی در کاهش دستزد ها میشود ، نیز خود امری است که مشروط به چگونگی مبارزه طبقاتی ، بقیه در صفحه ۱۳



روز زن

بقیه از صفحه ۱

تظاهرات اعتراضی زد وخواستار پایان بخشیدن به تبعیضات موجود بین زن و مرد در عرصه کار اجتماعی شدند و همزمان با آن بر علیه بکارگیری و استثمار و خسیانه کودکان در تولید فریاد برآوردند. زنان مبارز در این روز خواهان شرایط مناسب کار، تقلیل ساعات کار در هفته و وضع قوانین حفاظتی بر علیه اشتغال کودکان و افزایش دستمزدها شدند. این تظاهرات عظیم که از سوی هزاران زن زحمتکش مورد حمایت قرار گرفت با مبارزه در جهت بدست آوردن حق رای برای زنان توأم بود و در سراسر جهان انعکاسی وسیع یافت. دو سال بعد، در ۱۹۱۰ در دو مین کنفرانس بین المللی زنان بنا بر پیشنهادی که از سوی کلارا زتکین، کمونیست انقلابی طرح شد، روز ۸ مارس بعنوان روز جهانی زن به ثبت رسید و مقررنشد تمامی زنان در سراسر جهان در این روز سرود برابری انسانها و رهائی از قید و بند بردگی سردهند.

از آن پس، در این روز هر ساله، میلیونها زن که در زیر یوغ سرمایه در تحت غارت و چپاول امپریالیزم، در زیر بار سرکوب و تحقیر، مسود و استثمار رو به رنج و مرگ و ظلم و ستم قرار دارند با هر شکل ممکن جشنی برپا میدارند. شاید از کارخانه و کارگاه، از مزرعه و خانه، از اداره و مدرسه، بیرون میجوشند. خوبیار - هائی از انسان ستکشان را بیکدیگر می پیوندند و در ریائی از انسان رزمند و راه نمایش من نهند. و شاید در زیر چکمه های بد زخمیان دیکتاتور پنهانی با یکدیگر عهد و پیمان می بندند تا مبارزه ای بی امان، بی دوشادوش مردان زحمتکش و برای بنیان نهادن فردائی روشن را به پیش ببرند. در این روز، میلیونها نفر از زنان نیز که با او از کون ساختن کاخ سرمایه در کشورشان، دیگر داغ استثمار بریدنند و دیگر جنگال خونین سرمایه بر گردنشان فشرده نیست و در سایه برانداختن حکومت سرمایه به برابری با مردان دست یافته اند، جشنی عظیم برپا میدارند و از این طریق در عین به نمایش درآوردن وحدت بین المللی خود با تمامی زنان زحمتکش، کامهای خود را در جهت پی ریزی بنای سرخ کمونیسم هماهنگ تر و استوارتر می سازند.

اصال روز زن در ایران در شرایطی فرامیرسد که هزاران تن از زنان مبارز میهنمان در سیاه جالهای رژیم و بزرگسخت ترین شکنجه ها مقاومت میکنند، بسیاری از آنان به جوخه های اعدام سپرده شده و جان باختند. اصال روز زن در محیطی آکنده از زخفغان و سرکوب بر علیه تمامی زحمتکشان و مبارزین، چه زن و چه مرد و در شرایطی فرامیرسد که تحقیر و فشار بویژه بر علیه زنان زحمتکشی و مبارز - میهنمان ابعاد بی باور تندی یافته است. بهمین خاطر مروری کوتاهی بر غلغل تاریخی - اجتماعی ستمی که بر زنان میرود، ستمی که علاوه بر فقر و فلاکت و استثمار و قمارت اعمال شده بر تمامی کارگران و زحمتکشان و تنهایی خاطر زن بودن بر زنان روا میگردد و ستمی در و گانه را بر زنان رقم میزند، و بر رسی راه نابودی این ستم در و گانه، در بزرگداشت این روز، ضروری بنظر میرسد.

سابقه تاریخی به انقیاد ستم و استعمار آمدن زن به شکل گیری مالکیت خصوصی بر میگردد و تا پیش از آن در جوامع اشتراکی کهن که وسایل تولید به همگان در قبیله یا جامعه عشیرتی تعلق داشت، کلیه افراد بطور مساوی از مزایای اجتماعی برخوردار بودند. حتی زنان بعلت اشتغال به کشاورزی و صید، که راه مطمئن ترفی برای تامین زندگی بشمار میرفت در مقابل مردان که ناچار به زوریا گذاشتن جنگها برای تهیه غذا بودند، کنترل بیشتری بر روابط اجتماعی داشتند، اما، مازاد تولید در کشاورزی و دامپروری، آغاز پرورسه مبادله و نیاز به نیروی کار افزون تر، سبب شد تا مردان نقش و موقعیت ویژه ای از نظر اجتماعی یابند و کار زنان در جگانه به خانه داری محدود شد و در عرصه تولید نقش شانوی یافت. با پیدایش خانواده پدرسالاری وضع تغییر می یافت. از راه مورخانه صفات اجتماعی و عمومی خود را از دست داد و به یک خدمت خصوصی بدل گشت. زن نخستین خادم خانگی شد. (انگلس - منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت)

این پرورسه در قیقا هم روند و همزمان با پیدایش مالکیت خصوصی شکل گرفت و از آن بیعد در کلیه نظامات طبقاتی، برده داری، فئودالیسم و سرمایه داری در طول تاریخ تد اوم - یافت و به این ترتیب با دور ماندن از عرصه فعالیت اجتماعی و استمرار در کار تحمیق کننده و طاققت فرسای خانگی زنان هر چه بیشتر به فقر رشد بد فرهنگی و سطح پائین آگاهی و چار

شدند و بزرگ فرهنگ پدرسالاری قرار گرفتند. با پیدایش نظام سرمایه داری، از آن رو که نیاز به سود آوری - بیشتر از سوی سرمایه داران احساس میشد، به قدری زن در عرصه تولید اجتماعی نقش بیشتری یافتند. سرمایه داری در دوران شکوفائی و رونق و نیاز، زنان را به عرصه تولید اجتماعی کشاند و با آوج تیری بحران و سرور رکود آنها را ناچار به بازگشت بسوی خانه نمود. بدین ترتیب زنان در نظام سرمایه داری عملاً نقش ارزشمندی را ایفا کرده و همواره در اولین ردیف صف اخراج قرار داشته اند. وجود زنان (و همچنین کودکان) به سرمایه داران اجازه میدهد تا به رقابت در بازار کار دامن زنند و سطح دستمزدها را بطور کلی همواره پائین نگه داشته و کارگران مرد را از مبارزه و اعتصاب - تا آنجا که قدرت دارند بازدارند، چرا که همیشه زنانی پشت در کارخانه ها حاضرند تا با دستمزدهای کمتر شکم خود و فرزندانشان را سیر کنند. سرمایه داران غارتگر در عین حال همواره برای کارهای ظریف و طاقت فرسائی که نیاز به قدرت بازو ندارند و کارهایی که استمرار در انجام آنها هیچگونه تخصصی را به همراه نمی آورد زنان را در نظر گرفته اند و بجای آنکه بکلیت تکنیک و ماشینها را تسهیل تر میکنند ساعات کار کارگران مرد را کاهش میدهند، زنان و کودکان را - بجای مردان استخدام میکنند. هر قدر نیروی آب یا بخار جای استفاده از یازوان و جای مصرف نیروی بشر را میگرد، احتیاج به استخدام کردن کمتر میشود و چون کار زنان و کودکان در دربرخی رشته ها چون نخ ریسی و بافندگی و... بهتر و ارزان تر از مردان میباشد، جای آنها را میگیرند. (انگلس - شرایط طبقه کارگر در انگلستان) کار طاقت فرسای زنان زحمتکش در نظام سرمایه داری تازه یک جنبه از ستم است که بر آنان وارد میگردد. تا برابری زنان نسبت به مردان در مقابل قانون که سبب تضییع بسیاری از حقوق اجتماعی آنان - میگردد و کار خانگی و ستمی که بدین وسیله بر زنان وارد میشود جنبه دیگری از ستم بر زنان است. بدین ترتیب اشتغال زنان زحمتکش در کارخانه ها و... بهیچوجه موجب آن نشد تا استثمار خانگی آنان از بین برود. بورژوازی هم بخاطر تقلیل مخارج خود از طریق وارد آشتن زنان به کار خانگی و عدم تأسیس غذا خوری ها و مهد - کودکیها و رختشویی خانه های عمومی و... وهم بخاطر تشدید فقر فرهنگی و تحمیق زنان و دورنگهداشتشان از مبارزه علیه خود، با تبلیغات دروغین تحت عنوان

مقتضی مقدس مادی
 آنان را بکار خانگی تشویق مینماید .
 و بدینسان زنان کارگرود هقان در -
 نظام سرمایه داری ستمی و گناه را
 متحمل هستند : ستمه مونت بشری
 تحت رژیم سرمایه داری بطور مضاعف
 ستم میرود . زنان کارگرود هقان به
 وسیله سرمایه ستم مینیند . اما در
 عین حال آولا از بعضی حقوق بدلیل
 نابرابری قانونی با مردان محرومند و
 ثانیاً ... آنان در انقیاد خانسه
 بود هوبصورت پردگان خانگی با قس
 میمانند . زیرا اگر برزحمت و سیب
 پست و کمزشکن و تحمیل کنند ه آشپز
 - خانه و خانه انفرادی خانواد هرا
 متحمل میشوند . (لنین : روزجهتو
 زنان کارگر) .

روز زن

بقیه از صفحه ۱۱
 ارائه کرد و در نتیجه راهحل مشخص
 بود : مبارزه برای نفی سرمایه داری و
 مالکیت خصوصی : قدم اساسی و
 پرانداختن مالکیت خصوصی بر زمین
 کارگاهها و کارخانه هاست . همین
 است و تنها همین است که راه آزادی
 کامل و واقعی زن را باز مینماید
 آزادی واقعی زن تنها با کمونیسم
 امکان پذیر است (لنین مباحثه با
 کلارازتکین) .

همسان با این روند بوده است . با
 گسترش نفوذ امپریالیزم و رشد تهرجهو
 سرمایه داری در ایران ، نیروی زنان
 نیز در امر تولید مورد نیاز واقع شد ،
 امپریالیستها و مترجمین سرسپرده
 آنان اینکار را در دوران حکومت رضا
 شاه با کشف حجاب با زور سرنیزه
 به پیش بردند تا ضمن به نمایش
 در آوردن کاریکاتوری از زن " آزاد
 و متعذر " از نیروی کار ارزان آنان
 شود برند . از آن پس زنان زحمتکش
 ایران هر چه بیشتر بهره متولید وارد
 گردید ه و تحت وحشیانه ترین استثمار
 طبقاتی قرار گرفتند . در تمام طول
 دوره حکومت تنگین پهلوی و مخصوص
 شاه خائن چنین شرایطی بر زنان
 زحمتکش مینمان حاکم بوده است .
 در زمان شاه در عین اینکه زنان کارگر
 با مزد ینا برابر و کمتر از مرد آن به بند
 کشیده میشدند در حالیکه هقانان
 زن و زنان در روستاها زیر کار طاقت
 نرسا ، عقاید سنتی و تمسبانه و
 شرایط سخت زندگی خرد میشوند ،
 در عین اینکه زنان زحمتکش بشکلی
 وحشیانه در خانه های اربابان به
 در کارگاههای تاریک و نمور رژیم
 چرخهای د رند ه سرمایه عیشندند ،
 در عین اینکه قوانین ارتجاعی و بردگی
 خانگی زن را تثبیت میکردند ، ابتدا
 شی ترین حقوق اجتماعی شان را
 مردود میشدند و در عین آنکه . . .
 زن بعنوان کالا نیز به بازار ه عرضه میشد .
 زن چون اجناس دیگر بفروش نهاده
 میشد ، کالاهای دیگر با زن تزئین
 میشد و ستم تاریخی اعمال شد ه بر زن
 بشکل وسیعی حاکم گشته بود .

از دیگر اثرات تبعی استقرار رژیم
 سرمایه داری گسترش ابعاد فحشا
 بطور فوق العاده وسیع است ، چرا که
 سرمایه داری به زن نیز چون هر چیز
 دیگر سان کالا میشود و در روابط
 اجتماعی کثیف خود زن را نیز به کالا
 بدل میسازد . همچنان که نیروی کار
 زن در سرمایه داری بکالا بدل میگردد
 و این سرنوشته تمامی زحمتکشان است
 بهمان سان نیز ، تنها از آنرو که زن در
 تولید نقش متفوق را دارا نیست ،
 تنها از آنرو که در ادوم فرهنگ
 فقودالی زن وجودی پست و توسری
 خور بحساب می آید و باید در -
 خدمت مرد باشد ، بدن او نیز به
 کالا بدل میشود .

همین مسئله یعنی بیوند دادن -
 مبارزه برای رفع ستم و گناه بر زنان
 با مبارزه در راستای سوسیالیزم و
 کمونیزم صف زنان کارگرود هقان را از
 صف زنان رفقه بورژواجد امیسا زد و با
 حرکتهائی که از سوی آنان صورت میگردد
 و تمام تلاشش نفی ماهیت طبقاتی این
 مبارزه ، عمد هکردن و پیش کشیدن
 تضاد زن با مرد بعنوان علت اصلی
 ستم زن و هدف فرادادن و اهسی
 مردان و سرمایه داری و نتیجه
 به انحراف کشاندن مبارزات زنان
 زحمتکش است ، خط و مرز میکشد .
 البته مارکسیسم - لنینیسم توجه
 دارد که علاوه بر زنان زحمتکش زنان
 دیگر طبقات هم از زیر حقی خود رنج
 میبرند و آنها هم به موقعیت مبارزه برای
 حل مسئله زن علاقمندند و درست به
 همین خاطر مارکسیسم از ضد و ش -
 شدن خط و مرزها جلو میگردد .

استثمار و تحقیر و ستمی که بر زنان
 در طول تاریخ در جوامع طبقاتی
 اعمال شد ه سبب گشت که تلاشهای
 در جهت رهائی آنان از این وضعیت
 صورت پذیرد . از جمله میتوان از نظریه
 - پردازان سوسیالیزم تخیلی
 (اتویستیها) چون سن سیمسون ،
 فوریه و اون نام برد که بعنوان
 در مکرتهای انقلابی معتقد بودند که
 که زن باید در کلیه شؤون اجتماعی
 شرکت داشته و از نظر قانونی زن و مرد
 با هم برابر باشند . ولی آنها هیچگاه
 نتوانستند راهحلی مناسب و واقعی
 برای این مسئله بیابند چرا که قادر به
 ریشه یابی علل واقعی و اجتماعی
 نابرابری و ستم زن نبودند .

پس از سرنگونی شاه زن ایرانی که
 زیر بار ستم شاهیه بدون تشککل و
 آگاهی لازم سر بر آورده بود ، پیش
 از آنکه بتواند در لحظات زودگذر جو
 در مکرراتیک ماههای اولیه بعد از قیام
 و حاصل از عدم توانائی رژیم در سرکوب
 تود هها متشکل گردد و آگاه ه شود و راه
 انقلابی رهائی از ستم را بازشناسد
 یارد دیگر اسیر نتیجه های ارتجاعی دیگر
 گشت ه رژیم جمهوری اسلامی اینبار
 تحقیر تاریخی و ستم و گناه اعمال
 شد ه بر زنان در عیان تر و ستم و
 وحشیانه ترین شکل ممکن تد اوم یافت
 سرکوب و تحقیر زنان و بیامالی حقوق
 آنان بدست رژیم جمهوری اسلامی
 آنچنان عیان است ، آنچنان با
 گوشت و پوست هر زن زحمتکش عجین
 است که تنها نگرشی کوتاه به همین
 اححافات ، ادج تحجر قرون وسطائی
 و ماهیت جنایتکارانه رژیم را بنمایش
 می نهد .

مبارزات زنان زحمتکش نیز به ویژه
 پس از ظهور مارکسیسم پیش از پیش با
 مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه سرمایه
 داری عجین گشته و آنان نیز بر چرخ
 سرخ پرولتاریا و همدوش با مردان
 ستم دید هاستوار بسوی آینده های روشن
 گام برمیدارند . تجربه مبارزات
 خلق شوروی ، ویتنام ، کوبا نیکوگرانه
 و . . . نیز صحت نظرات کمونیستیها
 درباره مسئله زن را به اثبات رسانده
 است .

بهررو آنچه در مورد موقعیت
 زنان در جوامع سرمایه داری بطور کلی
 گفتیم در جوامع سرمایه داری وابسته ،
 جوامعی با درون طولانی فتودالیسم
 و جوامعی که در آنها زمینداری
 سوبه زمینسان نیز فرهنگ و روینای
 مربوط به آن - نه بشکلی انقلابی
 بلکه از طریق رفرمهای بوروکراتیک
 ارتجاعی و از بالا از زمین رفته است ،
 نیز بشکل بسیار بارزی دیده میشود .

هنوز چند هفته ای از قیام نگذشته
 بود که
 بقیه از صفحه ۲۳

موقعیت زن در ایران نیز در اساس

یعنی تقابل قطب کار سرمایه، در این مورد مشخص می باشد. ولی بهر حال صرف نظر از تعدیلاتی که در میزان دستمزد ها میتواند صورت پذیرد، تا زمانی که جامعه بدو طبقه متخاصم تقسیم شده است یعنی از یک سو سرمایه داران که مجموعه وسائل تولید، ملک و زمین، مواد خام و ماشین آلات را با انحصار خود در آورده اند و از سوی دیگر کارگران یعنی مردم زحمتکش که از هر نوع مالکیت بر وسائل تولید محروم بودند و بجز نیروی کار خود چیزی ندارند آری تا زمانی که این تشکیلات اجتماعی وجود دارد، قانون مزد قدر قدرتی باقی میماند و هر روز زنجیرهای جدیدی میسازد تا بوسیله آنها کارگران را به بردگان محصورات خودشان - که با انحصار سرمایه داران درآمد دارند - تبدیل سازد (انگلس - سیستم مزد).

اینست آن الزام اقتصاد که بطور خود بخود شرایط تکمیل را و طلبانه کارگران را از سرمایه ايجاد مينمايد. بورژوازی تنها به این الزام اقتصادی در به انقیاد در آورده کارگران بسنده نمیکند، و برای صیانت از این دستگاه اقتصاد ی و دفع مبارزات کارگری که تحت شرایطی دستگاه اقتصاد پیش را بزیست سوال میکشند، یک بخش تکمیلی نیز ایجاد میکنند و آن دولت بورژوائسی است. دولت ارگان سیاست طبقاتی بورژوازی است که از طریق دستگاههای مختلف آن حاکمیت بورژوازی برتودها جاودانه میشود. بورژوازی از طریق دستگاههای نظامی، بوروکراتیک و ایدئولوژیک دولت، کارگران و توده ها را به اطاعت و حفظ نظم بورژوائسی که امکان گردش بی دردسر سرمایه را فراهم آورد، فرامیخواند. دولت از طریق بکارگیری این دستگاه سه گانه بکمک الزام اقتصادی می آید و انقیاد کار به سرمایه را به کارگران نمی قولاند. نحوه عملکرد دولت در مقابل مبارزات و اعتصابات کارگری بستگی تام و تمامی به این امر دارد که مبارزات کارگران در چه مرحله ای قرار دارد و نیز آیا این مبارزات در دوران قانونی صورت میگیرد و به نحوی است که اساس نظام ورژیم را مورد سوال قرار نمیدهد، و یا در شرایط بحران انقلابی است که حرکت های اعتراضی کارگران و اعتصابات مضمونی انقلابی یافته و در پیشروی خود منافع اساسی بورژوازی را به مخاطره می اندازد. در هر یک از این دو شرایط اصلی و یا شرایط خود ویژه ای که باید در قیام مورد بررسی پیشرو کارگری قرار بگیرد، دولت در ضمن امتزاج دستگاه های خود را

مبارک و سرکوب کردن جنبشهای کارگری، به طور عموم، از یک سو از دستگاهها بصورت گسترده و مسلط بهره میکشند. بعنوان مثال در شرایطی که کارگران مبارزات و اعتصابات خود را در محدود مورد پذیرش و قانونی بورژوازی محصور کرده اند (دوران - کود سیاسی)، بورژوازی صرف نظر از الزام اقتصادی که بطور خود بخودی عمل مینماید، عموماً از ارگانهای ایدئولوژیک و بوروکراتیک دولت بهره میکشند، و از این طریق تسلط خود را بر کارگران و مقابله مبارزات و اعتصابات آنان برقرار میسازد.

اما بورژوازی همواره ماشین جنگی آماده ای را برای بکارگیری کارگران در مواقع که ارگانهای ایدئولوژیک و بوروکراتیک و نیز ان الزام اقتصادی نتواند کارگرفته، حفظ میکند و آنرا گسترش میدهد. بورژوازی در مرحله مبارزه با قتلد سیستم، ارگان سرکوبی را از بین نمیکند و ارگان نمیکند، بلکه بر عکس آنرا اکالتر میکند، گسترش میدهد و ناقص آنرا بر طرف میسازد و آنرا به شرایط نوین انطباق میدهد. از آن ماشین جنگی میسازد که در زنجیرش علیه پرولتاریا کاملاً قابل استفاده باشد. وجود چنین ماشین عظیم جنگی تنها بیان تدارک و آمادگی بورژوازی برای مقابله با پرولتاریاست، بلکه همچنین بیان عمیق تناقضات موجود بین این دو طبقه جامعه، و جنگ خونینی که در پیش رو دارند میباشد.

رژیم بورژوازی سعی میکند ابتدا وجود جنگی را که بین این دو طبقه است گتمان کند و خود را نماینده عموم مردم معرفی سازد، و وجود ماشین جنگی را صرفاً برای مقابله با دشمنان خارجی توجیه نماید. و این در هنگامی است که یا توده ها نسبت به رژیم توهم دارند و دستگاه ایدئولوژیک دولت از کارایی برخوردار است و یا مبارزات کارگران هنوز به مرحله حساس وارد نشده و یا هر دو کاربرد یک، اما بمجرد آنکه حکومت احساس کند که برای بقای سرمایه و مهار کردن کار باید از دستگاه های علنی قهری سرکوب استفاده نماید، حتی برای یک لحظه نیز رنگ روانخواهر داشت. باشدت یافتن مبارزه طبقاتی ماهیت ماشین جنگی دولت از پسرده برون می افتد. مارکس در مورد این مدافعان نظم و برابری و برادری و یا عبارتی آشنا تر این مدافعان مستخدمین میگوید: آنچه بیش از هر چیز در این نبرد مطمئن جلب توجه میکند کینه و خشونت بود که مدافعین نظم در جنگ از خود نشان میدادند. آنها که قبلاً برای هر قطره خون مردم، آنقدر نازک لی میگردند و حتی در سوگ گشته شدگان گارد ملی در ۱۴ فوریه

رزم

بقیه از صفحه ۱۰

با آن احساسات رقیق، غش و ضعف میخوردند، همین بورژوازاها، حالا کارگران را مثل حیوانات وحشی هد ف کوله قرار میدهند. سخنی از ترجم و آشتی در میان نیست، از هیچ احساس رقیق خبری نیست، بلکه کینه قهر آمیز و خشونت سود نسبت به کارگران عصبانیه دیده میشود و بورژوازی کاملاً آگاهانه برای نابودی آنها مبارزه میکنند. (مارکس، انگلس، انقلابات ۱۸۴۸-۱۸۴۹).

چنین است رسم نبرد بورژوازی با پرولتاریا. بورژوازی در مقابله با مبارزات و اعتصابات پرولتاریا، همواره بصورت طبقه به نبرد میپردازد،

اگر چه ممکن است در سطح قضایا، اعمال یک سرمایه دار منفرد برای درهم شکستن مبارزات کارگران همان کارخانه ظاهر اشیوه ای منفرد بنظر آید. اما، در واقعیت امر، هر شیوه ای که سرمایه داران منفرد بکار میگیرند منبعت و در ارتباط با جنبه عمومی سیاستهای بورژوازی است. بورژوازی از طریق دستگاه اقتصاد که در شرایط متعارف خود بخود عمل میکند، بمشابه طبقه در مقابل کارگران قرار میگیرد و دولت بمشابه ارگان سیادت طبقاتی بورژوازی همواره در هر عمل مشخصی سرکوب در هر کارخانه، منافع عمومی طبقه سرمایه دار را حراست میکند. سرمایه در مقابله با کار همیشه متحد و متمرکز عمل میکند.

از این گذشته سرمایه در مرزهای ملی در پیوند با سرمایه بین المللی قرار دارد، و از این لحاظ پرولتاریا که تنها به بورژوازی خلی، بلکه با متحدان آن در سطح جهانی نیز روبروست. بورژوازی مرتباً از دستاورد های سرمایه بین المللی در سرکوب کارگران می آموزد. پیوسته، از سرمایه بین المللی شیوه های جدیدی را در باز تولید سرمایه و خشی کردن اخلاطات پرولتاریا در گردش سرمایه، یاد میگیرد و بکار می بندد. در چگونگی اشکال سرکوب توسط دولت بورژوائسی، شیوه های موفقیت آمیز را اخذ میکند و بکار میگیرد و در نهایت از ارگانهای سرمایه بین المللی برای سرکوب مستقیم استفاده میکند.

بنابراین اگر بورژوازی بمشابه یک طبقه در مقابل پرولتاریا قرار دارد، پرولتاریا نمیتواند، تکه تکه و تجزیه شده بقدر صفحه ۲۲

سازمان آب . . . بقیه از صفحه ۳

بیشتر. کارگزار یگری
دنباله سخن او را گرفت: برای ما
توضیح دهید اینهاست که با خود
آوردید تا حالا برای ما جکار کرده اند
و اصل در این اداره جکاره اند و چرا در
حالی که مادر بدترین وضع قرار داریم،
اینها مرتب حقوق، خانه، ماشین را
صاحب میشوند، این پولها مگر از جیب
این مردم بیچاره در نمی آید.

جوسالین شور خاصی پیدا میکند،
مدیرعامل و سایر همکاران گنج بر جای
خود میخکوب شده قدرت نشان دادن
عکس العمل ندارند. کارگری دیگر
خشمگینانه میگوید: اصلا بنظر میرسد
تو و همرا هانت مشتکی زدی هستی
که برای زدی به این اداره آمد هاید.
هر کدام از کارگران در رابطه با
زدی های انجام شده و بخصوص
وضع رئیس امور اداری بازداشت
شد به افشاء گری میبرد از زدی و مد
عامل را به همدستی و همکاری با او -
متهم میکنند. کارگران آشکارا به
افشای (بازگرم) تمام کسانی
که توسط مدیرعامل و عمالش بعنوان
کارگرو کارمند استخدام شده، اما

در حقیقت وظیفه جاسوسی را بعهده
گرفته اند پرداختند.
این جلسه در حالتیکه کارگران
احساس پیروزی و شغف میکردند
خاتمه یافت پس از این جلسه، تا
هفته بعد هیچ اقدامی از جانب
مسئولین بعمل نمی آید. کارگران نیز
حرکت آشکاری از خود نشان نمیدهند
تنها خشم و نگرانی مسئولین کاملاً
هویدا بود. کارگران پس از شدت
یک هفته دوباره جهت نماز و وحدت
سایرین راه عوت به تجمع میکنند.
اینبار اکثریت، قریب به اتفاق آنان
برای شرکت در نماز وحدت به سالن
می آیند. مدیرعامل و سایر روسا در
جلسه شرکت نمیکنند و این بزرگترین
افشاء گری است. کارگران صحبتها
-ی خود را از سر میگیرند و متحداً به
این نتیجه میرسند که وقتی پای منافع
واقعی کارگران در میان باشد، مسئولین
و مزدوران رژیم که اینهمه مراسم
براسم نماز . . . تاکید میکردند
نگاه که از همین مراسم بعنوان
تربیتی برای طرح نظرات مستقل
کارگران استفاده شود خود جلوی
براسم را میگیرند و این خود نشان
دهند ضد کارگری بودن مقامات
است. کارگران پس از زد و بدل

در ن صحبتها و مسائل لازم با پیمان
اتحاد و وحدت به این جلسه نمی
خاتمه میدهند، سرمایه داران اجباراً
به هر چه همیشه خود یعنی سرکوب
روی می آورند و نگرانی کارگران مبارز
توسط پاسداران ضد خلقی و حافظ
سرمایه دستگیر میشوند، اتحاد
کارگران در پشتیبانی از این کارگران و
تهدید مقامات به حرکت های شدیدی تر
در صورت عدم آزادی همکاران خود
از یک طرف و فساد آشکار مقامات از طرف
دیگر باعث شد که پس از یک روز با زداشت
کارگران مزبور آزاد شوند. رژیم
ضمناً مجبور میشود قول دهد در
چهارشنبه ۲۵/۱۲/۶۱ -
نمایندگان استان اداری در جلسه
کارگران حضور یابند و بخوابه آنها ن
جواب دهند. کارگران که در عمل
اثرات این اتحاد را دیدند تصمیم
میگیرند تا جلسه مزبور، در روز -
چهارشنبه ۱۸/۱۲ نیز به تجمع و
تبادل نظر خود در مورد مسائل
خویش ادامه دهند. این حرکت
همچنان ادامه دارد.

روز زن

بقیه از صفحه ۲۳

اهمیتی که ماهه
جنبش زنان زحمتکش میدهم -
جنبشی که تنها در پیوند تنگاتنگ با
جنبش انقلابی تمامی کارگران و
زحمتکشان یعنی مفهوم انقلابی
خواهد یافت، صرفاً باید پرش لفظی
این مسئله بجائی نخواهد رسید و
هنوز به معنای پرش واقعی و عمیق
این ضرورت نیست.

رفقا! زنان مبارز و آگاه!
برنامه عمل سازمان را الگوی تبلیغات
خود در میان زنان زحمتکش قرار
دهید و به آنان نشان دهید که
کمونیست ها گذشته از خواسته ها و
اقدامات عمومی انقلابی در رژیم
و آلترناتیو انقلابی مورد نظر خود چه
اقدامات ویژه ای برای زنان در نظر
دارند.

رفقا! زنان مبارز و آگاه!
برنامه عمل سازمان گذشته از خواسته ها
و اقدامات عمومی انقلابی در جمهوری

در مکرانیک خلق بعنوان رژیم
و آلترناتیو مورد نظر خود خواسته های
ویژه زیر را برای زنان مطرح کرده است:
- حقوق اجتماعی برابر با مردان،
لغو هرگونهستم و تبعیض بر پایه -
جنسیت
- شرکت آزادانه زنان در تمام
فعالیت های سیاسی، اجتماعی،
اقتصادی و فرهنگی
- لغو قوانین ارتجاعی مربوط به
خانواده، نظیر حق طلاق یکجانبه،
تعدد زوجات و صیغه و . . .
- لغو مقررات حجاب اجباری که بازار
فشار وستم بر زنان است.
- برخورد آری از حقوق و مزایای کامل
(مساوی با مردان در رازای کار مساوی
و سایر تسهیلات چون شیر خوارگاه،
مهد کودک و حق نگهداری و رسیدگی
بکودکان در محل کار و . . .
- بایستی که ضمن سازماندهی و
پیشبرد مبارزات زنان زحمتکش بر علیه
ستمی که بر آنان اعمال میشود و حول
خواسته های کنونی آنها، مبارزات -
آنان را به مبارزه حول خواسته های
مطروحه در برنامه عمل سازمان، ارتقا
داد و به پیش براند. البته برای
زنان جهت خلاصی ازستم وحشیانه
- ای که بر آنان اعمال میگردد راهی

جز قضایت بخشیدن به انقلاب،
جز به پیروزی رسانیدن انقلاب پیش
رو نیست. زنان تنها آنگاه رهبر
میگردند که انسانها را گردانند،
پایان بخشیدن به ستم و گناه اعمال
شد بر زنان تنها آنگاه میسر است که
است. مارکس نیت خود را از دست
بدهد و جاپول انسانها از رسمیت
بیفتد و از اینروست که زنان باید در
عین مبارزه بر حول خواسته های مکرانیک
خود بگردند محور طبقاتی مبارزه و به
در برجم سرخ پرولتاریا متشکل گردند
و مبارزه را تا سرنگونی انقلابی رژیم،
برقراری جمهوری مکرانیک خلق و
حرکت در راستای استقرار سوسیالیسم
و کمونیسم تدوم بخشند.
اما، از سویی فراموش نکنیم که بدون
زنان که نیمی از انسانها را تشکیل
میدهند، هیچگاه به موفقیت دست
نخواهیم یافت تبلیغ کمونیستی و
انقلابی در میان زنان زحمتکش را
گسترش ندهیم و مبارزات آنان را
سازمان ندهیم و سخن لنین را همواره
الگوی راه خود سازیم که
هیچ جنبش انقلابی بدون
شرکت زنان به پیروزی نخواهد
رسید.

کارگران، دهقانان
دانشجویان، دانش آموزان، معلمان
کارستان و ... پیش رفت .

ابعاد جنایات رژیم در زمینه
شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطایی
دستگیرهای بی رویه و اعدامهای
دسته جمعی آنقدر عظیم و وسیع
است که رژیم جمهوری اسلامی را در
سطح جهان در ردیف یکی از سفاکترین
و خون آشام ترین رژیمها قرار داده -
است . تعداد اعدامها طی سال
گذشته در سطح جهان در مقایسه
با دیکتاتورترین رژیمهای سابقه بوده
است . شکنجه‌های وحشیانه رژیم ،
موج نفرت و انزجار نیروهای ترقیخواه
و دمکرات جهان را برانگیخته است .
اسناد این جنایات آنقدر مستند بوده
است که رژیم پس از یک دوره کتمان
جنایاتش سرانجام بحوثی به شکنجه
های وحشیانه مزد وراثت اعتراف
کرد اما برای آن توجیه اسلامی تراشید
و تحت عنوان "تعزیر مورد تأیید
فرار داد ، کیلانی حاکم شرع رژیم و
یکی از جنایتکاران میگوید : در مورد
افراد مقاوم که حتی اسفندان را
نمیگویند بنابه فتوی امام خمینی حتی
تأپای مرگ باید تعزیر شوند اگر زیر
تعزیر جان هر یک هند کسی ضامن
نیست . (اطلاعات ۶۱/۷/۸)
اما گذشته از شکنجه‌ها و اعدامهای
دسته جمعی هم اکنون زندانیان
سیاسی حتی از ابتدائی ترین حقوق
بشری محرومند . ملاقات در مورد
کادرها و اعضای سازمانها مطلقاً آید
نمیشود و تا زمانی که بخواهند سرگ
رژیم سوره میشوند حتی بیکار اجازه
دیدار خانوادگی را نمی یابند . ابتدا
بیشترین خواستهای زندانیان با
گلوله پاسخ داده میشود اما
انقلابیون در ریند حماسه‌های مقاومت
می آفرینند و مزدوران رژیم را براتسو
در می آورند اینان مرزندان خلقی
هستند که در کارخانه‌ها باخاطر سر
خواستهای منفی سیاسی و اعتراضات
یعنی خود مورد ضرب و شتم واقع شده و
آماج گلوله‌های رژیم قرار میگیرند اما
همچنان بی‌بازاره ادامه میدهند ،
خلق که آلودگ هایشان بدست
سرکوبگران بر سرشان خراب میشود و
بالاخره توده‌های تحت ستی که در
زیر بار فقر و فلاکت ، گرانی بی سکنی و
فتنارهای طاقت فرسای زندگی گرفتار
خام شده است و امروز در کلیه عرصه‌ها
- بی اجتماعی تحت شدیدترین
تخصیقات قرار دارند و رژیم در مانده
از تقابله با توده‌ها سرانجام به بازسازی
ساواک متوسل میشود . گرچه این
پروژه از ابتدای سال ۵۹ آغاز
گردید و تحت پوشش شورای امنیت
و تحت سرپرستی "فردوست" عامل
سرسپرده سرویس جاسوسی انگلیس

کارنامه ...

بقیه از صفحه ۲

و از مقربان شاه صورت گرفت و ماورین
کارکنته ساواک به همکاری دعوت
شدند اما طی سال گذشته لایحه
تشکیل وزارت اطلاعات از سوی مجلس
بتصویب رسید (اطلاعات ۶۱/۷/۲۱)
و باین ترتیب توده‌ها در تجربه عملی
خود دریافتند که رژیمهای سرمایه
مداری و ضد خلقی تنهاستیمهای
یکسانی را به پیش میبرند . اگر خمینی
در بد و ورود خود برای فریب توده‌ها
انحلال ساواک را مطرح کرد اما
مزدوران ساواک همان وظائف را در
ساواک رژیم جمهوری اسلامی به
"ساواک" انجام می‌رسانند و همین
وظائف همانا ایجاد امنیت برای
سرمایه و سرکوب انقلاب است اما
تمامی سیاستهای سرکوبگرانه رژیم
قادر نیست توده‌ها را از حرکت
تاریخ سازشان بازدارد .

۲- سیاستهای خارجی رژیم

الف- تجدید قرارداد های
امپریالیستی - سیاست خارجی رژیم
به تبعیت از سیاست داخلی به پیش
رفته است . سیاست بازسازی نظام
سرایا وابسته سرمایه داری ایران
نمی‌توانست بدون تجدید قراردادهای
امپریالیستی صورت گیرد . از اینرو
رژیم به تجدید قراردادهای ایران
با امپریالیستهای پرداخت اما از آنجا
که این سیاست با شعارهای تو خالی
یا اصلاح ضد امپریالیستی در تقابلی
اشکار قرار می‌گرفت توجیهات گوناگون
برای تجدید اینگونه قراردادها از
سوی رژیم عنوان گردید . مثلاً
قراردادهای رژیم با ترکیه و پاکستان
که از کشورهای تحت سلطه آمریکا
می باشند تحت پوشش رابطه با
کشورهای مسلمان و جهان سوم توجیه
شد و همچنین قرارداد های رژیم با
آرژانتین و اروگوئه بعنوان کشورهای
جهان سوم اعلام گردید اما در زمینه
تسلیمات رژیم مستقیماً با آمریکا و
اسرائیل وارد معامله شد و اینموارد
را از چشم توده‌ها پنهان داشت اما
در اینموارد آمریکا فروش تسلیحات را
موقوف به بازپس گرفتن بدیهی هایش
از ایران نمود . بدیهی هائی که رژیم
شاه به بانکهای امریکائی مقروض بود
و رژیم باین خواست امریکائیترن داد
بطوریکه تریخس رئیس کل بانک
مرکزی اعلام کرد : میزان این بدیهی‌ها
را که در سال ۸۰ - ۱۹۷۹ میزان
۱۵ میلیارد دلار بود در سال
۱۹۸۲ به ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون
دلار رسیده است (اطلاعات

۶۱/۶/۳۱) تجدید قراردادهای
رژیم با انگلستان ، آلمان ، ایتالیا ،
یونان ، اسپانیا و ژاپن و فراخواندن
کارشناسان امریکائی ، آلمانی و ...
سمت گیری عمومی رژیم را در جهت
گسترش هر چه بیشتر ضابطیات
اقتصادی سیاسی با امپریالیستهای
نشان داد . نزدیکی با امپریالیستهای
اروپائی و ژاپن بحدی بود که خود
رژیم رسماً اعلام کرد که ۲۵٪ واردات
رژیم طی سال گذشته از ژاپن بوده
است (کمپان ۶۱/۸/۱۷) و حتی
کار باید انجام رساندند که برای
تکمیل پروژه پتروشیمی ایران و ژاپن
۵۰ میلیون دلار به سرمایه داران -
ژاپنی باج دادند و اینهمه در سایه
خراج ارزان قیمت نفت تابشکنهای
۲۸ دلار صورت گرفت .

رژیم جمهوری اسلامی طی سال -
گذشته نیز از راه اقتصاد کشور را
چهارا سبه سمت امپریالیستیزم
بسرکردگی سرمایه داری بزرگ وابسته
سوق داد و مجموعه سیاستهای رژیم
باینکراین واقعیت است که تلاش
رژیم در بازسازی نظام سرمایه داری
و استثمار و وحشیانه خلق ادامه
سیاست رژیم شاه بوده است .

ب- ادامه جنگ -
سیاست جنگی رژیم که در آغاز
د سیه ای بود برای تخفیف بحران
و سرپوش گذاردن بر نیازها و خواسته
های اقتصاد اجتماعی توده‌ها و
جبا و شرورهای ملی ، ابزار بود
برای انحراف مبارزات مردم و دستمسی
بود برای حقانیت دادن به سرکوب
خونین خلق و بالاخره کسب همزمنی
و ژاندارمی منطقه ، اینک به بن بست
اشکار رسیده است .

از سویی ، بی خانمانی و کشتار
بیشمار ناشی از جنگ و بر جای ماندن
خیل انبوهی از معلولین بی نصیب
همراه با ادامه غارتگری و جبا و بر فقر
و فلاکت مردم میهن ما بشدت افزوده
است و تنوع عمومی رانست به ادامه
جنگ برانگیخته است و توده‌های -
مردم ، رژیم را بد رستی عامل سیه روزی
خود دانسته و در یافتن آنکه چرا
رژیم جنگ ادامه میدهد اما رژیم
هنوز به قدرت غالب منطوق و اندام
مفخر نگشته است و علاوه بر پایان
جنگ و خیل عظیم بیکارانی را که سا
جنگ سرگرم کرده است و وضعیت
ناسامان اقتصاد ، ناراضی عمومی
مجموعه عوامی است که رژیم را به
ادامه جنگ وادار می‌کند . و از آنجا
که مخارج جنگ با فروتنی بیدریه نفت
و استثمار بیش از پیش خلق برای رژیم
تأمین میگردد ، ادامه جنگ در این
بن بست در
بقیه در صفحه ۱۶

مجموع بیشتر منافع رژیم راتامین میسازد

۱- سیاست بین المللی رژیم در رابطه با جنبشهای رهاشی بخش - سیاست عمومی رژیم در این زمینه تضعیف جنبشهای انقلابی نظیر جنبش خلق فلسطین و تقویت همه جانبه جریانات ارتجاعی منطقه نظیر جنبش "امل"، حزب الد عومعراق، حرکت اسلامی افغانستان و سایر مرتجعین وابسته به "سیا" بوده است. این سیاست که همبانی سیاست امریکامینی برکومند سبب می باشد (یعنی تقویت جنبشهای مذهبی ارتجاعی در مقابل با کمونیسم) تا بد آنجا پیش رفت که رژیم جمهوری اسلامی برای زمینه سازی سرکوب خلق فلسطین در لبنان که توسط اسرائیل صورت گرفت نقش بسیاری ایفا کرد. بدین صورت که جنبش مرتجع و وابسته "امل" با کمک مادی ایران ابتدا جنگ را با جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جریکهای فلسطینی آغاز کرد و هنگامیکه اسرائیل وارد عمل شد و وشاد وین فالانتریبته فلسطینیها را قتل عام نمود و پاسداران مزدور رژیم نیز عملا وارد معرکه شدند و با این ترتیب جنبش فلسطین موقتاً سرکوب گردید. اما هنوز تبلیغات در زمین و عوامفربهان رژیم بر علیه اسرائیل بر خاستی از جریانات و جنبشهای انقلابی را دچار سردرگمی کرده است. وظیفه انقلابیون ایران است که ماهیت واقعی رژیم را برای اینگونه جنبشها آشکار سازند.

۲- مبارزات توده ها طی سال گذشته

کلی یکسال گذشته اعتراضات توده های با شکال مختلف جریان داشته است. علیرغم حکومت نظامی اعلام نشده های که رژیم برقرار کرده، توده ها و بویژه طبقه کارگران نیروی بیشتر جامعه که فشار اقتصادی ناشی از جپا و لگری رژیم و بحران تورمی را بیش از همه بر دوش دارد بمقابله با رژیم برخاسته است. سیر صعودی اعتصابات اقتصاد سیاسی طی سال گذشته و بویژه در سه ماهه اخیر نمود بخش زوند رو به رشد اعتصابات گسترده و همه گیر است. (به جدول مبارزات کارگران و پرزحمتکشان در کار ۱۶۱ مراجعه شود) اگرچه رژیم در مقابل اعتراضات کارگری در وجه غالب سیاست سرکوب را در پیش گرفت اما در مواردی نیز ناچار شده و به عقب نشینی هایی دست زند و درست در مواقعی که اعتراضات جنبه یکپارچه و منسجم داشت عقب نشینی رژیم در مورد پیش نویس ارتجاعی قانون کار و همچنین تن دادن

رژیم به خواسته های کارگران در زمینه پرداخت عیدی و افزایش تعطیلات نوروزی بیانگر این واقعیت است که رژیم از طبقه کارگر و مبارزات پرولتاریا به شدت وحشت دارد. گرچه سیر حرکت مبارزات خود بخودی در جنبش کارگری به سمت تشکل پیش می رود و حرکات تشکل تر میگردد و این نیز بدلیل وجود تشکل طبیعی کارگران در کارخانه ها میباشد اما در سطح سایر اقشار اعتراضات عمدتاً جنبه فردی داشته است مگر در شهرکها و مراکزی که برای حرکات جمعی زمینه اولیه ای موجود بوده است و با مسائل مشترکی توده ها را یکدیگر پیوند داده است نظیر خانوادگی زندانیان سیاسی که در سه ماه گذشته حرکت اعتراضی جمعی در زمینه اعتراض به شکنجه ها صورت دادند. در این رابطه نقش سازماندهی و ایجاد پیوند بین مبارزات کارگران و سایر اقشار زحمتکش از اهمیت ویژه ای برخوردار است که در بخش مربوط به وظایف پیشرو بدان خواهیم پرداخت. اما عالی ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه در کردستان قهرمان جریان دارد. خلق قهرمان کرد مدت چهار سال است که علیرغم سرکوبهای وحشیانه رژیم همچنان به مبارزه قهرمانانه خود ادامه میدهد.

۳- چشم انداز

امروزه فقط سرکوبی خونین نیروهای انقلابی و توده های تحت ستم بلکه وعده و وعید های توهم ساز رژیم نیز به ضد خود تبدیل شده است. همه شواهد حاکی از آنست که توده های زحمتکش جامعه مادر آزمون عملی و مستقل خویش، بطلان واقعی این شرکهای محیلا نه را بازشناخته اند امروز حتی خوش خیال ترین عناصر زحمتکش و متوهم ترین توده های جامعه دریافته اند که با بودن این رژیم کوچکترین امیدی به بهبود شرایط زندگی شان متصور نیست. آنها پوшالی بودن همه وعده و وعید های رژیم را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند. امروز حتی احزاب سازشکار و خیانت پیشه ای چون حزب توده و دارو دستهاش در مقابل بسط آشکار مناسبات سرمایه داری وابسته ایران با امپریالیزم جهانی قادر به بذله گوئی و ترنم سرائی عوامفربهان همیشه خود نیستند. امروز بیش از همیشه واقعیتها رخ نموده و هرگونه تئوری تراشی در دفاع از رژیم ضد انقلابی حاکم با انهدام عملی این معتقدات فروریخته است.

اما علیرغم تلاشهای مذبحانانه رژیم در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و گسترش مناسبات

کارنامه

بقیه از صفحه ۱۵

با امپریالیستها بدلیل بخران عمیق و همه جانبه اقتصاد سیاسی، - اجتماعی، رشد روز افزون نارضایتی توده های و افزایش هر چه بیشتر تضاد های درونی هیئت حاکمه، رژیم در معرض فروپاشی و اضمحلال قطعی قرار دارد. فساد اداری، رشوه خواری، و دزدیهای کلان مقامات مملکتی آئینه تمام نمای رژیم است که از درون نیز جارگندیدگی و تباهی است. تضاد های درونی رژیم از جمله تضاد مجلس و شورای نگهبان، تضاد ارتش و سپاه، تضاد دولت و مجلس، تضاد ارگانهای دولتی و غیر دولتی، اختلاف پرسرچنگ، پرسرحد و مالکیت و شیوه های سرکوب و رژیم را درین بست کامل قرار داده است. از آنجا که خود سردمداران رژیم نیز به بی ثباتی خویش واقفند، اینروزها فریبکارانه بیاد توده ها افتاد هاند و برخی از آنان از جمله رفسنجانی وارد بهلی ناگهان متوجه شده هاند که توده ها مسکن ندارند! و پشاهناجی و بیانگردد دل مردم با بعرصه نهاد هاند گویا همین ها نبودند که رای به تخلیه خانه های شروتمندان از سوی توده های زحمتکش داد ه بودند! اما همین مانورها وحشت رژیم از سرنگونی محتوم و قریب الیقوع اثر نشان میدهند و پشمن ترند هابرای توده ها که نه شده است.

۴- وظایف پیشرو

در شرایط کنونی وظایف سنگینی بر دوش انقلابیون قرار دارد. گرچه رژیم بیشترین کشتارها را متوجه نیروهای انقلابی یعنی مدافعین راستین کارگران و زحمتکشان نموده است، اما انقلاب فرزند ان خویش را در دل مبارزه می پرورد.

ما شاهد آنیم که هر ضربه رژیم نه تنها قادر نبوده فعالیت انقلابی ما را متوقف سازد بلکه عزم راسخ رفقای ما را به پرکردن جای خالی رفقای شهید و بردوش کشیدن وظایف آنها استوار تر کرده است. باید خلا ناشی از ضعف رهبری را با مبارزه انقلابی پر کرد. نباید فرصت را در تافروست طلبان و سازشکاران و ضد انقلاب مغلوب یعنی سلطنت طلبان که تلاش دارند توده ها را به گذشته باز گردانند و استثمار خلق را بشیوه گذشته برقرار سازند مجال تبلیغ یابند و از آب گل آلود بقیه در صفحه ۲۱

پودجه . . . بقیه از صفحه ۶

تأیید بسیاری از نازل تر از بهای تعیین شده توسط اوپک خود را از تنگنا خارج سازد. بهمین دلیل مزدوران رژیم در اجلاس اوپک یاد میدن در پوق و کنایه های تبلیغاتی رایج شان گوشیدند که اینگونه وانمود سازند که گویا رژیم خواهان تثبیت بهای نفت در وضعیت سابق (یعنی بشکهای ۲۴ دلار) است. حال آنکه این کوشش بران رژیم بیشتر از آن جهت صورت گرفت که رژیم میکوشد حتی - الكفد و بهای نفت در سطح بالا - تری باقی بماند تا رژیم بتواند نفت خود را به راحتی ارزانند و ربا زار بفروشد رسانند و بدین ترتیب درآمد نفتی خود را تأمین نمایند. اکنون که بهای نفت کنترل یافته است. سردمداران رژیم سلطنتی چارند برای بازاریابی نفتی خویش نفت ایران را به بهائی بازهم نازلتر بفروش رسانند و این امر برنامه پیش بینی شده آنان را در چارمشکلاتی بسازد. از سوی دیگر رژیم باتکیه بر اقتصاد تک پایه نفتی موجب از بین رفتن تدریجی صادرات غیر نفتی گردیده است و این امر خود موجب ورشکستگی بازهم بیشتر تولیدات داخلی شده است. الویری نماینده مجلس با اعتراف به این مسئله چنین گفت: . . . صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۶۰ به ۳/۱ درصد و در سال ۶۱ به میزان ۱/۴ درصد رسید است. (کیهان ۲۱/۱۲/۶۱) تکیه بکجانبه و افزایش درآمد نفت بدین ترتیب باعث افزایش بحران اقتصاد و خصوصاً گسترش وسیع ابعاد تورم میگردد. این بدین معنی است که رژیم میکوشد تنگنای مالی خویش را که بیش از همه بدلیل وابستگی به بازار امریکایی و تخصیص مبالغ سنگین هزینه های سیرکوب داخلی مردم ما بوجود آمده اند، به بهای و خنج تر شدن بازهم بیشتر وضعیت زندگی مردم متمدن دیده تا، وضع نماید. برای آنکه میزان اهمیت نفت در بودجه دولت نمایان شود کافیست اشاره کنیم که طبق آمار رسمی منتشره از سوی رژیم نسبت درآمد نفت به کل درآمد های دولت در سال ۶۱ رقم ۶۴٪ را نشان میدهد حال آنکه همین نسبت در سال ۶۲ به رقم ۶۷٪ افزایش یافته است. یعنی طبق برنامه ریزی بودجه سال ۶۲ میزان ۶۷٪ از درآمد های دولت باید مستقیماً از محل غارت نفت تأمین گردد. این امر بخوبی نشان میدهد که درآمد نفت تا چه اندازه برای رژیم حیاتی است و چگونه رنومان در بهای آن موجب

تغییرات جدی در درآمد های رژیم میگردد و این امر در شرایط بحران شدید اقتصادی تا چه اندازه عواقب سیاسی غیر منتظره ای نصیب رژیم خواهد نمود.

دومین منبع تأمین درآمد های دولت در سال ۶۲ اخذ مالیات بمیزان ۷۱ میلیارد تومان است. لازم است اشاره کنیم که همین رقم در سال ۶۱ نزدیک به ۶۰ میلیارد تومان بوده است. کیست که نداند افزایش مالیاتها مستقیماً بمعنی غارت هر چه بیشتر از جیب همگنان است، زیرا همه میدانند سرمایه داران و تجار بزرگ با توسل به هزار و یک وسیله شرعی و غیر شرعی با از زیر مالیات خود رها کرده و با پارامالیات وصول شده ربا افزایش بهای اجناس مستقیماً به دست مصرف کننده یعنی توده عظیم زحمتکش غارت شده می اندازد. نکته قابل توجه آنکه رژیم در سال ۶۱ که هنوز ابعاد بحران اقتصادی به زرفسای امروز نرسیده بود مبلغ ۶۰ میلیارد تومان از بودجه را از طریق اخذ مالیات تصویب کرده بود و چگونه

در سال ۶۲ که قرار است مالیاتهای سال ۶۱ وصول گردد با توجه به فلاکت و بی رونقی بازار انتظار جمع آوری ۷۱ میلیارد تومان را دارد! اما بهر حال وصول این میزان مالیات بمعنی غارت باز هم بیشتر از زحمتکشان خصوصاً اقشار مزد بگیر مانند کارگران و کارمندان خواهد بود. این مسئله بطور طبیعی منجر به افزایش نا رضایتی بمیزان وسیع تر گسترش مبارزات خود انگیخته خواهد شد. از همین روست که موجب بروز تناقضات در مجلس میگردد: عباس فرد نمایندنده مجلس چنین هشدار میدهد: قسمت عمده های از بودجه وسیله مالیات تأمین میشود ولی در نرخ مالیاتها دقت فرمائید این رقمها در مواردی اگر قابل وصول هم باشد بصلااح دولت اسلامی نیست. . . . (کیهان ۲۱/۱۲/۶۱)

سومین نکته حائز اهمیت بودجه سال ۶۲ میزان عظیم و افزایش یابنده کسری بودجه یعنی شکاف مابین درآمد ها و مخارج رژیم است. میزان کسری بودجه در سال ۶۲ رسماً (یعنی طبق آمار منتشره خود رژیم) بمیزان ۶۸ میلیارد تومان بالغ میگردد. قابل توجه است که رژیم در بودجه سال ۶۱ کسری بودجه ای بمیزان ۴۰ میلیارد تومان را پیش بینی مینمود (اطلاعات ۶/۱۱/۶۰) حال آنکه این میزان در انتهای سال به بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بالغ گردید. (کیهان - ۵/۱۱/۶۱)

در حال حاضر نیز رژیم رسماً میزان ۶۸ میلیارد تومان پیش بینی کسری بودجه نموده است و بیروا واضح است که در پایان سال، کسری بودجه به مبلغی بسیار بیشتر از سال گذشته سر بکشد. رشد یابنده کی میزان کسری بودجه سالانه و افزایش کسری بودجه های سالهای گذشته بر روی هم مواجعه ساخته است. رژیم در مواجهه با بحران مزمن کسری بودجه سرانیمین قرار دارد و این امر موجب گسترش و نمایان شدن تضاد سردمداران رژیم در مجلس پیرامون بحث درباره بودجه سال ۶۲ میگردد. عباس فرد نماینده مجلس چنین میگوید: کسری در این بودجه دیوانه کننده است ولی با لطف - التحیل پوشانده شده و از طرفی اجازه هاججائی و استفاده از اعتبارات سیستم بانکی از یکصد میلیارد تومان به بالا میآید. . . . (کیهان ۱۸/۱۲/۶۱) بدین ترتیب از لایحای تقاضای های درونی رژیم مشخص میشود که میزان کسری بودجه که قرار است از طریق استقراض از سیستم بانکی تأمین گردد در واقع امر به بیش از یکصد میلیارد تومان سر خواهد زد و بهمین دلیل است که دولت تقاضا نموده است که حق استقراض بیش از یکصد میلیارد تومان را نیز اربابانند، بهمین دلیل علا محسین ناد نماینده مجلس چنین به افشای اسرار میپردازد: . . . کسری بودجه . . . آنگونه که دولت بمجلس داده است ۱۶۵ - میلیارد ریال است با آمار واقعی که ارائه شد بیش از ۱۳۸ میلیارد ریال است. البته این غیر از کسری های پنهانی در ارتباط با تبصره ها است. . . . (کیهان ۲۱/۱۲/۶۱)

پروا واضح است که استقراض بانکی در شرایط خالی بودن خزانه مملکت و بانکها و نیز خارج شدن پس اندازهای اقشار مرفه مملکت بی اعتمادی به رژیم و نرنیاشته شدن دانم کسری های بودجه سالهای بی درین نمیتواند گره ای از کار رژیم بکشد. بهمین دلیل رژیم برای دسترسی به منابع جدید مالی چاپ اسکناس بی پشتوانه متوسل شده است. این مطلب بخوبی از لایحای سخنان مخالفین بودجه قابل درک است. نادری در همانجا اضافه میکند: تمام گرانی ها و تورم های که بوجود می آید ریشه اش در اینجا است و این لایحه بودجه، پرورنده دولت ها و مسئولین امر در طول تاریخ است که نشان دهند عملکرد وجهت گیری دولت است. بعنوان نمونه از سال ۵۸ تا سال ۶۱ - ۸۰٪ تورم در کشور اضافه شده است. قبل از پیروزی انقلاب مجموعه بقیه در صفحه ۱۸



کسری بودجه ها
 ۳۴۴ میلیارد ریال بود و تا پایان سال
 ۶۱ بیش از ۴۰۲۰ میلیارد ریال
 کسری داریم و اینها را اشرفی افرایش
 نقد ینگی و حجم پول است که گرانی و
 تورم بوجود آمده است . . . (تاکید
 از ماست) توجه کنید! این سخنان
 یکی از نمایندگان رژیم است که در
 سراسری سقوط، زبان به اعتراض
 گشوده است و اسرار را برملا میکند .
 هیچکس نمیتوانست به این خوبی و
 روشنی عمق معضل رژیم را بازگو کند
 (هر چند حتی همین ارقام نیز بسیار
 کمتر از واقعیت است) و آنرا سرای
 قضاوت در هوا و صداها و هزاران تن از
 ثود مردم بنمایش بگذارد . افزایش
 نقد ینگی و حجم پول این همان -

بودجه . . . بقیه از صفحه ۱۷
 رابطه مستقیم و عیان وابستگی به
 امپریالیستها از سوی رژیم نامید و
 البته هنوز بسیار زود است که -
 سردمداران رژیم بخود جرات دهند
 که با عمار و سیمي بد آن بخشند . اما
 بهر حال این نیز خودی خود کوشش
 در جهت افزایش وابستگی و استثمار
 زحمتکشان میهن ماست . بدین ترتیب
 رژیم خون آشام حاکم علیرغم های و
 هوی کرکننده و بیش از پیش در راه -
 اتحاد با امپریالیستها گام میزند .

که زمین زیر پاهایشان مست شده است
 با لیل زبانی میکوشند عواقب اوضاع
 وخامت بار موجود را بگردن دیگران
 بیفکنند : غلامحسین نادی صراحتاً
 اعتراف میکند : ۸۰ درصد
 بودجه عیناً تصویر سیاستهای گذشته
 میباشد . مسئله دیگر مسئله کشاورزی
 است که محور قرار گرفته است که در
 درجه اول آب است . برای فصل آب
 ۷۰ میلیارد ریال گذاشته اند که ۳۵
 میلیارد ریال مربوط به فاضلاب
 شهرهای بزرگ مثل تهران - تبریز
 مشهد و اصفهان است و بقیه ۸۰٪
 خرید ماشین آلات است و بقیه اش هم
 برای سد ها اختصاص داده شده
 است . مطمئن باشید که برای سال
 آینده که وزارت کشاورزی گفته است
 ۷٪ رشد کشاورزی خواهیم داشت
 حتی يك متر برای زیرکشت بردن هم
 نخواهند داشت (کیهان -
 شنبه ۲۱/۱۲/۶۱)

سیاست کهنه سردمداران رژیم است .
 این همان چیزی است که در عیارت
 عایمانه چاپ اسکناس بی پشتوانه
 نامید میشود . رژیم با در پیش گرفتن
 چنین سیاستی در هر قدم هزاران تن
 را خانه خراب میسازد ، از یکسو با
 گسترش ابعاد وحشتناک تورم و گرانی
 قدرت خرید زحمتکشان شهری و روستا
 نشانی را تحکیم میدهد و از طرف دیگر
 حقوق کارگران و کارمندان بتدریج به
 ورق پاره بی بهائی تبدیل میشود که
 کفاف زندگی بخور و نمیزی را نیز
 نمیدهد ، در چنین شرایطی عملاً
 محکومین و لاکهای بازار کفالت از
 یاران غلامی اعلام و آقایان نیز
 هستند سود های هنگفت غیر قابل
 تصور به جیب زدده و توده زحمتکش روز
 بروز مردم آب فرو میرود .
 رژیم همچنین با صراحت تمام از
 استقراض خارجی بعنوان یکی از

چهارمین نکته در مورد بررسی در
 بودجه سال ۶۲ ادعای بوج سران
 رژیم مبنی بر اولویت قرار دادن -
 کشاورزی و جلوگیری از وابستگی بمنظور
 خود کفائی است . باز هم همان
 تبلیغات تهوع آور ، باز هم شیدی .
 رژیم که با در پیش گیری سیاستهای
 بحران زا عملاً صد ها هزار تولید کننده
 خریدار خانه خراب میسازد ، رژیم که
 با گاستن از مزد کارگران و کارمندان
 آنان را بمرگ تدریجی محکوم نموده
 است اکنون در از خود کفائی کشاورزی
 میزند . در حالیکه اعتراف خود
 سردمداران رژیم بخش عظیمی از
 بودجه رژیم صرف ورود کالا های
 مصرفی باغذائی در کشورهای خارجی
 میشود چنین ادعاهائی واقعا مضحک
 بی نماید . در حالیکه ورشکستگی
 کشاورزی و صنایع ایلیمیده است و
 میلیونها نیروی کار را راه و بیکار راند
 چنین تبلیغات پوچی هم عنوان میگردد

بدین ترتیب از زبان خود سردمداران
 رژیم مشخص میگردد که سیاست رژیم
 بطور کلی تکیه بازم بیشتر بر واردات
 برای تامین نیازهای بازار داخلی
 است . همین سیاست است که
 کشاورزان را خانه خراب میکند و با
 افزایش تورم کار و معیشت میلیونها
 توده زحمتکش را به مخاطره می افکند .
 در اینجا عباراتی مانند " اولویت
 کشاورزی " و " خود کفائی " تنها
 بمنظور تزئین وقایع هضم کردن بودجه
 عنوان شده اند و اگر نه سیاست عمومی
 کماکان همان سیاست کهنه بورژوازی
 دلال ایران است .

منابع تامین کسری بودجه سال ۶۲
 مذکور میشود . مخبر کمیسیون برنامه
 بودجه چنین میگوید :
 بودجه شرکتهای دولتی استفاده از
 وام های داخلی و خارجی هم منظور
 شده (کیهان ۱۸/۱۲/۶۱)
 تاکید از ماست) این کدام وام های
 خارجی است! کیست که نداند که
 شرکتهای دولتی و ملی شده که بیش
 از هر بخش دیگر اقتصاد ما وابسته به
 امپریالیستهاست از کدام وام های
 خارجی قرار است تامین بودجه
 نمایند . رژیم سرایدار رخ و ترور اکنون
 با صراحت از ستاندن وام از محصولات
 بین المللی سخن میراند . استقراض
 خارجی که در تاریخ معاصر میهن ما
 بدقی بعنوان لکه ننگ رژیمهای سیاه
 همواره از طرف نیروهای انقلابی و مترقی
 مورد اعتراض قرار گرفته است اکنون در
 بنام رژیم جمهوری اسلامی یعنی
 آقایان ضد امپریالیست جای دارد .
 این را باید گامی دیگر در جهت ایجاد

برای روشن شدن ماهیت بوج و تبلیغاتی
 این شعارها تنها به ذکر سخنان
 سردمداران رژیم میرد ازیتم که امروز
 از درد درید هتاقضات درونی بیرون
 خزیده است . میرجعفری نماینده
 مجلس چنین میگوید : وزارت
 کشاورزی در این مملکت چه کاری کرده
 است . فقط کود و سم ، تراکتور ،
 علوفه و ماهی وارد کرده است . در
 واقع این کاری است که کشاورزی در
 این مدت انجام داده است . در
 واقع همش واردات بوده است . . .
 هدف از این بودجه توسعه صنعت
 است و میخواهیم صنعت ما بجایی
 برسد . کدام صنعت؟ صنعتی که
 همش وابسته است ، که بیشتر
 قطعات آنرا باید ارزید هم و از خارج
 بیاوریم و در اینجا مونتاژ کنیم و
 چاره ای هم نداریم (کیهان
 ۱۹/۱۲/۶۱) اکنون که ورشکستگی
 رژیم آشکار شده است چگونه سردمداران
 سن رژیم خود پرده انبساطیهای
 خویش بر میدارند! آنان که در
 دشمنی شان با توده های زحمتکش
 شکی هم نمیتوان رواداشت اکنون

وبالا خره بنحین نکته حائز اهمیت
 در بودجه سال ۶۲ رژیم ، بودجه
 جنگ ارتجاعی ایران و عراق است .
 هزینه های ملموس و غلنی اختصاص
 یافته به امر جنگ بالغ بر ۳ میلیارد
 تومان پیش بینی شده است . اما این
 میزان فقط يك جنبه از هزینه های
 جنگی است و بقول یانگی " اگر هزینه
 های ناشی از جنگ را نیز در نظر
 بگیریم مجموعاً ۸ / ۶ میلیارد تومان
 رقم رسمی مخارج جنگ را تشکیل میدهد
 اما این رقم هنوز بار رقم
 واقعی اعلام نشده جنگ
 یکسان نمیشد . اولاً ، بر طبق روال
 در سال گذشته دولت در نیمه های
 دوم سال ماده واحد هترمیم مخارج
 جنگ را بمجلس میتواند ارائه دهد و
 ثانیاً بخشی از هزینه های جنگی در
 هزینه های جاری و عمرانی مستتر است
 و در حقیقت بودجه نیمه ای جنگ به
 حساب می آید . ابهامات نهفته در
 میزان بودجه تخصیص یافته به جنگ ،
 اگر چه همانند بقیه اقلام بودجه (مثل
 اقلام درآمد های نفتی ، مالیاتی و
 غیره) صمیم بقیه در صفحه ۲۱

رفیق نظام . . .

بقیه از صفحه ۲۶

نیاز در دوران دانشجویی آغاز شد. رفیق علاء و به شرکت فعال در مبارزات دانشجویی با کمک چند تن از همکارانش پلی کبی دانشکده را اداره نمود تا فعالیت سیاسی و کار تکلیفاتی را در سطح وسیعتری گسترش دهد. زیرا که او یک روشنفکر حرفه نبود بلکه مبارز در فعالیت انقلابی جستجو میکرد این امر همزمان با ارتباط گیری او با سازمان بود که از طریق رفیق ابوالفضل سلیمی و سیامک اسدیان در سال ۱۳۵۵ انجام گرفت. رفیق در سایه ابتکار و خلاقیتی که داشت تا نسبت به سرعت یک هسته انتشارات و توزیع را سازمان داد و شهرهای شمال تحت پوشش تبلیغی سازمان قرار داد. توان و شور انقلابی رفیق و خصائل برجسته مبارزاتی که در تک تک سلولهایش مجوسید موجبات شد و تکامل هر چه بیشتر رفیق را فراهم آورد و علاوه بر اینکه رفیق به سرعت مسلح شد و وظائف بسیاری نیز بر دوشش گذاشته شد. هنگامیکه در آن دانشکده همایان رسید برای مبارزاتی نام نویسی کرد اما شهادت و به آموزش نظامی را گذرانید سپس یادگان را ترک کرد و از همین رو لازم آمد که زندگی مخفی را برگزیند در دوران پیش از قیام رفیق ابتدا در چند عملیات نقش را نند مرا ایفا کرد و سپس در حمله به مرکز پلیس تهران واقع در خیابان انقلاب شرکت مستقیم داشت و همچنین در حمله به مرکز زندان امری نیز سهواً رفیق سیادت شرکت کرد و در جریان حمله به مرکز آزاد یوبه همراه رفیق سیادت و رفیق هادی نقش نازمی ایفا نمود. پس از قیام رفیق مدتی مسئولیت مالی را بعهده داشت ضمن اینکه در سازمان های نیروهای که به سازمان جذب میشدند شرکت فعال داشت و در همین زمان با چند تن از کارگران و کارمندان صنایع دفاع ارتباط گرفت و به سازمان های این بخش پرداخت و به مرور تشکیلات صنایع دفاع گسترش داد و به سازمان های مبارزات کارگران در این مجتمع گماشت بطوریکه حوزه صنایع دفاع یک حوزه منظم و فعال کارگری بود و درجه رفیق تجربه کافی در امر سازماندهی کارگران متناسب با شرایط جدید را نداشت اما با اشتکار، خلاقیت و مطالعه و آموزش مداوم مسائل کارگری توانست این وظیفه را با انجام رساند. بطوریکه این مجتمع که بالغ بر ۱۴ کارخانه و ۳۳ هزار کارگر بود تحت پوشش نشریات کارگران پیشرو قرار گرفت.

در منظم انشعاب علیرغم تلاشی

رفیق هادی . . .

بقیه از صفحه ۲۶

مناسبت، طاق نصرت بر پا کرد بود رفیق هادی تصمیم گرفت در شهر محل سکونتش طاق نصرت پوشالی رژیم را به آتش کشد این عملیات با موفقیت بانجام رسید اما رفیق هادی و رفیق فرجود یوسفی همزه مزدوران ساواک شناسایی و دستگیر شدند. رفیق را شدت شکنجه کردند و در سرمای طاقت فرسای زمستان او را پس از شکنجه های بسیار در یک سلول ننگناک و بدون پوشاک مدت ها در آنجا ساختند و سرانجام به سه سال زندان محکوم نمودند. در طول محکومیتش رفیق در زندان نیز مبارزه با رژیم ادامه میداد و با یاریک سواواک مرتضی رفیق را از شهرهای به شهر دیگر منتقل میکرد. پس از پایان محکومیت رفیق آزاد شد و به تهران آمد و پس از مدت کوتاهی سازمان با رفیق هادی تماس گرفت و از همین زمان زندگی مخفی رفیق آغاز گردید. خصوصیات انقلابی رفیق موجب شد تا سرعت مسئولیتها رفیق افزایش یابد و در کلبه زینه ها استعداد هایش شکوفا گردید. اولین عملیات رفیق هادی شرکت در ترسور ناهید ی. مزدور کارگشته ساواک مشهد در سال ۵۴ بود که با موفقیت توأم بود و توان عملیاتی رفیق را آشکار ساخت هنگامیکه ضربات سال ۵۵ بوقوع پیوست و کلبه هیران سازمان از جمله رفیق حمید اشرف به شهادت رسید رفیق بار و حبه انقلابی و به تنگنار وجودیت و صرف ناید یرش توانست پس از مدت تلاش با کلبه رفقای تشکیلات که ارتباطشان قطع شده بود مجدداً ارتباط برقرار کرده و سازماندهی بازسازی تشکیلات را تکمیل بنجام رساند در این زمان رفیق در مرکزیت سازمان قرار گرفت. در آن هنگام که ضربات ۵۵ بوقوع پیوست از آنجا که این ضربات با یک برنامه تعقیب مراقبت پلیسی توأم بود کلبه خانه های تیمی در محاصره مزدوران رژیم قرار گرفته بود و در همین زمان رفیق توانست قهرمانانه محاصره یک خانه تیمی را بشکند و پس از دو ساعت جنگ و کربز با مزدوران ساواک آنان را وادار بر فرار کرد. رفیق هادی یکبار نیز در سال ۵۶ در مشهد در محاصره مزدوران افتاد اما اینبار نیز حلقه محاصره را شکست داد و درگیری با پاسداران پس از شکست رساندن یکی از آنها مصادر را سلحشوی منطقه را ترک کرد همچنین در سال ۵۶ هنگامیکه رفیق مشغول ساختن بقیه در صفحه ۲۰

که فرصت طلبان راست انجام دادند تا این بخش را تحت پوشش سیاستهای اپورتونیستی خود در آورند اما کارگران آگاه و پیشرو این بخش خط انقلابی سازمان را برگزیدند و این نیز میانگسر عملکرد اصولی رفیق در جهت آگاهی بخشیدن به کارگران بود. رفیق با جمع بندی تجارب خود در این بخش توانست جزوه هسته های سرخ کارخانه را تدوین کند که علاوه بر چاپ در کار بطور جداگانه نیز چاپ و توزیع گردید و در همنمودی برای تشکیلات کارگری تشکیلاتی غیر تشکیلاتی و هسته های هوادار بود. پس از مدت کوتاهی از انشعاب مسئولیت کمیته کارگری رفیق واگذار گردید که تا آخرین لحظه شهادتش این مسئولیت را بعهده داشت در این دوره رفیق علاوه بر سلول سازماندهی و آموزش تشکیلات کارگری مقالاتی در رابطه با مسائل کارگری از جمله سود و زیاده، طبقه بندی مشاغل و... نوشت که در نشریه کارچاپ رسید. به علاوه رفیق در اواخر سال ۵۹ عضو کمیته اجرایی سازمان بود و در تابستان ۶۰ عضویت مرکزیت درآمد و در کمیته نیز مجدداً عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید و مسئولیت کمیته تهران را نیز پس از کلبه بعهده گرفت. از خصوصیات برجسته رفیق، نظم فوق العاده و یگیری انقلابی بود. برخورد رفیق با مسائل، عمیق و همه جانبه بود و هیچ مشکلی را از آنجا که نمی گذشت. در جلسات انتقاد و انتقاد از خود فعلاً نه برخورد میکرد و در برخورد با ضعفها قانع و سختگیر بود به ریشهای فدهفاهمی نسبت. برخورد های بیفان و خصیمانه رفیق موجب میشد که سایر رفقای تحت مسئولیتش براحتمی مشکلات شخصی خویش را با او در میان گذارند. از دیگر خصوصیات برجسته رفیق تواضع و فروتنی او بود رفیق هیچگاه خود را برتر از دیگران نمی پنداشت و خلاصه نمونه بارزیک کمونیت صادق و انقلابی بود. تعام زرات وجودش مطول از عشق به خلق و ارمان پرولتاریا و کینه به دشمنان خلقی بود هیچگاه از مشکلات نهراسید و با گامهای استوار در راه آرمان پرشکوهش جان باخت. شهادت رفیق روز ۲۳ اسفند ۶۱ و هنگامی اتفاق افتاد که رفیق جهت سرکشی به مرکز توزیع در دام مزدوران رژیم جمهوری اسلامی افتاد و در درگیری با مزدوران به شهادت رسید. گرچه فقدان رفیق برای سازمان ضربه ای جبران ناپذیر نبود اما سازمان علیرغم این ضربات تاکنون تانسته است پرچم خونین و پرافتخارش راهمچنان برافراشته نگهدارد و جای خالی رفیق را با مبارزه انقلابی پر نماید.

رفیق محسن...

بقیه از صفحه ۲۶

بارد یگر چشمانی حقیر بر پشت گسنگ خندید... دستان منی لرزان، از آنر که ضعیف، بر ماشه ها فشرد... صفحه ای دیگر از تاریخ با خون ورق خورد تاریخ خون شد، فدائی خلق، رفیق محسن مدبر شانه چسبی، عضو مرکزیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدست مزدوران رژیم به شهادت رسید و با خون خود، آونیز چون هر فدائی و رزمنده دیگر درخت انقلاب را بارور تر ساخت.

رفیق محسن، بیش از ۱۲ سال تمامی توان خود را در خدمت جنبش انقلابی نهاد رفیق در سال ۵۵ به دست مزدوران شاه اسیر گشت و سه مدت ۹ ماه در زندان بسر برد پس از آزادی یبارد یگر در خرداد ماه ۵۲ دستگیر و بیست و سه سال زندان محکوم شد در این هنگام رفیق به شد بدترین صدمات مورد شکنجه قرار گرفت اما فدائی وار قفل سکوت بر لبان خود زد، رفیق در زندان فعالانه در پیشبرد اهداف سازمان میکوشید و بار و حمله شکست ناپذیر خود منبع الهام دیگر زندانیان بود از همین رو نیز پس از پایان مدت محکومیتش یبارد یگر مدعا گشت و مدت زندان او تمدید نشد. رفیق محسن با قدرت خلق در سال ۵۷ پس از خنود شدن سیاه چالهای رژیم شاه آزاد شد، محسن سرپا شور بود، سرپا عشق به خلق و از این رو سرپا نیرو بود، چون رودی پر خروش لحظه ای آرام نداشت هر چند که آسمان نیز بر آتش و متانتش رشک میکرد. محسن را اجرات میتوان یکی از رزمندگان هترین کادرهای اجرائی جنبش کمونیستی ایران بحساب آورد.

رفیق محسن آنگاه که درک کرد ایور تونیسیم بر سازمان حاکم شده تمام توان پایان ناپذیرش را در خدمت خط انقلابی نهاد، محسن حتی نمیتوانست تصور کند که لحظه ای از عمرش نام خیانت بخلق بر خود گیرد. او از رفتائی بود که در تبلیغ و ترویج آید ه های انقلابی "اقلیت" و در تدارک برای حرکت پس از انشعاب، گد، محترم مینمود، نقش ویژه ای ایفا کرد. محسن تمامی عشقش به آرمان پرولتاریا و سازمان را به نفرت بر علیه ایورتونیستیهای خیانتکار بدل ساخت. پس از شکل گیری انشعاب محسن، ساتوانی چند باره، با شور و شوقی افزون حرکت را تداوم داد. رفیق که در ابتدا عضو هیئت اجرائی سازمان بود، در سازماندهی نیروها و در پیشبرد حرکات اجرائی سازمان

نقش ویژه ای ایفا کرد. رفیق محسن در دوره بعد به عضویت در کمیته مرکزی سازمان انتخاب شد و به شایستگی توانست از عهد ه این وظیفه نیز بر آید. رفیق محسن در کمیته مرکزی سازمانی با آراء چشمگیری بر ریاست کنگره انتخاب شد و با توانائی قابل تحسینی ریاست اولین کنگره سازمانی را به پایان برد و مجدداً نیز به عضویت در کمیته مرکزی سازمان برگزیده شد. محسن در تداوم پیشبرد وظائف انقلابییش بدست در زخیمان رژیم، در درگیریهای شهادت رسید و با خون سرخ خود بر دیوارهای سیاه شب نوشت مرگ پر رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد کمونیسم، ضروری است بیفزائیم که خواهر رفیق، رفیق فدائی زهره شانه چی نیز در سال ۵۵ بدست در زخیمان ساواک شهید گشته بود و رفیق شهره شانه چی و رفیق حسین شانه چی نیز در سال ۶۰ بدست جلادان رژیم جبهه سوری اسلامی به جوخه های مرگ سپرده شده اند. یاد شان گرامی باد.

مسیر انقلاب خلقهای تحت ستم جهان راه شواری که پرولتاریای جهانی و متحدانش بسوی قسردای روشن، بسوی جهان کمونیسم میبماید، سرخی خود را از خون انقلابیون به گف آورده است، در هر گام از مسیر پر پیچ و خمی که سازمان ما در بیش از یازده سال زندگی پر افتخار خود پیچیده است، رفیقان پر خاك افتاده اند، در هر قدم از مسیر پر فرازونشیب که پرولتاریای ایران بسوی انقلاب سرخ خود پیچیده است، از خون جوانان بسیاری لاله روئید هاست، جاد ه سوسیالیسم هر چند با گل های سرخ شقایق مفروش است اما از میان آتش و خون میگذرد. اگر شهادت محسن ها، هر چند اند و هبار، بر سرخی آسمان انقلاب ایران می آفزاید پس چه باك؟

سالمه است دست در زخیمان، رفیقان را بر خاك و خون میکشند و سالمه است دید ه ایم و تجربه کرد ه ایم که در جای پای هر يك از هها پای دیگر نهاد میشود. اگر محسن نیست تا راه را تداوم بخشد محسن ها، آرمان او را تحقق می بخشند، هر چند یبارد افسوس خورد محسن، اسکنند رود یگر رفقا نیستند تا یبارد یگر شعله های سوزان انقلاب را بر پوست خود حس کنند، روزی که ببینند چگونه دیوارها سی سنگین، جماران، اوین، قصر، قزلحصار و دیگر بنا های ظلم و سرکوب در میان شعله های فروزان خشم خلق ذوب میشود و فرو میریزد، آری افسوس محسن نیست تا یکبارد یگر ببینند چگونه رفقای اسیر بقیه در صفحه ۲۲

رفیق هادی...

بقیه از صفحه ۱۹

نارنجك بود در اثر حرارت نارنجك منفجر شد و به چشمان وانگشتان دست رفیق آسیب فراوان رسید اما رفیق از این حادثه نیز جان سالم بدر برد. رفیق در کلبه زمینه ها از جمله اسلحه شناسی و کاربرد اسلحه، ساختن مواد منفجره، ساختن نارنجك و عملیات مهارت و خلاقیت شگرفی داشت و همواره کلبه ها موخته هایش را بکلهر رفقای تشکیلات می آموخت.

در سال ۵۷ و همزمان با اوج گیری مبارزات توده ها رفیق در چند حمله به مزدوران سرکوبگر شاه شرکت داشت از جمله حمله به سرکوبگران در نظام آباد هنگامیکه مزدوران به تظاهرات مردم آتش گشودند و حمله به مقر مزدوران در میدان خراسان و عملیات تسخیر مرکز راد بود و شاد و شاد توده ها و بهمسراه رفیق سپادت رفیق نظام و همچنین در روزهای قیام در محلات مختلف به آموزش جوانان در زمینه استفاده از نارنجك و اسلحه همت گماشت. پس از قیام در ستاد سازمان رفیق ضمن عضویت در مرکزیت در بخش تدارکات نظامی مسئولیت داشت و همزمان تدارک و و چاپخانه را نیز بد. رفیق هادی در جریان مبارزه با ایورتونیستیها نقش برجسته ای ایفا کرد و پس از انشعاب اکثریت علاوه بر عضویت در کادر مرکزی، مسئولیت اجرائی، مالی و تدارکات و بخشی از چاپ و توزیع را بعهده گرفت و پس از شهادت رفیق اسکنند مسئولیت نظامی را نیز بدیرفت. در اولین کنگره سازمان رفیق هادی مجدداً اکثریت آراء بعضویت در مرکزیت انتخاب گردید و ضمن ادامه مسئولیتهای قبلی در بخش کارگری نیز بفعالیت پرداخت این مسئولیت بنا به پیشنهاد خود رفیق و در رابطه با عشق و علاقه عمیقی بود که رفیق بکار بخشهای توده ای و کار با توده ها داشت.

سرانجام رفیق هادی در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۶۱ بر سر يك قرار که از سوی احمد خاين بصورت تلفنی در مرکز ارتباطات گذارد ه شد ه بود و طی يك درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم شهادت رسید. گرچه رفیق در طول زندگي سراسر مبارزه اش نقش تعیین کننده ای در سازمان داشته است اما یاد او و خصلت های انقلابی اش انرژی بخش رفقای است که سلاح او را برد و ش گرفته اند و تداوم راهش را تضمین می کنند.

بوردجه . . . بقیه از صفحه ۱۸

و غیر واقعی است و انعکاسی است از بحران خدادستگاه اقتصاد و ولی مهتر از آن انعکاسی است از تناقضات لا ینحل رژیم در چگونگی پیشبرد و تدوین جنگ ارتجاعی . جنگ از یکسوفلاکت و سپهروزی تور همارا تشدید میکند و اینروا تمام آن فرصتی است برای - حکومت در جهت بکار اندازی چرخ های اقتصاد و تثبیت خود ، اما در عین حال از طرف دیگر عاملی است در جهت سرکوب مبارزات توده های - بنا بر این جلوگیری از سقوط رژیم - تناقضات و ابهامات بود چه جنگی متشکل در این تناقض و بین دست حکومتی دارد . رژیم بار میدان در بوقهای زنگ زد و خویش سعی دارد تمامی مشکلات عدیده در رزندگی زحمتکشان را نه تنها از ماهیت ضد خلقی خود ، بلکه معلول جنگ معرفی نماید . حال آنکه ماهیت ارتجاعی آنها جمعی رژیم عامل همه بدبختی های زحمتکشان و از جمله عامل جنگ (از سوی جمهوری اسلامی) است . امر جنگ برای سردمداران رژیم نوعی سرمایه

گذاری است که بوسیله آن افسار نا آگاه را فریفته ، افکار عمومی توده ها را منحرف کند و بر ناتوانی های خود در جهت پاسخگویی به انتدائی ترین نیازهای زیستی سرپوش گذارد . اما این تلاش مذ بوحانه های پیش نیست . بند بند بود چه مصوبه سال ۶۲ - کوشش سردمداران رژیم را برای بازهم بیشتر بربند کشیدن کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن مانع میسازد . این بولبول بدفشانان می دهد که چگونه سردمداران رژیم نا امید از همه جا برای بقای خویش بمارت منابع طبیعی این مرز و بوم دست می یازند و با تکیه بر زرافزون برد را مد نعت به بهای ویران نمودن زندگی میلیونها انسان مستعد بدبختی و آرنند خود را سرپا نگاه دارند . بود جمسال ۶۲ نشان می دهد که چگونه رژیم از شهرد هر برنامه اصلاحی عاجز است و برای حفظ خویش ناچار از روی آوردن به سیاست بازهم خشن تری در مقابل اعتراضات و مبارزات حق طلبانه توده ها است . بود جمسال ۶۲ نشان می دهد که تنها غارتگران ، در لالان بزرگ و سرمایه داران زالوصفت مورد حمایت رژیم هستند و توده های زحمتکش تنها بارسنگینی مالیات تورم ، بیکاری ، فقر و فلاکت را به نصیب خواهند برد . عواقب این

بود جهازهم اکنون شکاف درون هیئت حاکمه را افزایش داد و موجب بر ماسلا گردیدن بسیاری از اسرار درونی سردمداران رژیم شده است .

وبالا خره بود جمسال ۶۲ چشم باند از مبارزات پر شور و انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان را برای احقاق خواسته های خویش نوبند میدهد . این بود جفشان میدهد که رژیم در بحران خرید کننده اقتصادی کسر بودجه هتکفیت و بی برنامه گریز رفتار شد فاست و از بر آوردن جزئی ترین درخواستهای توده ها نیز عاجز است . شرایط غیر قابل تحمیلی که این بود چه بر زحمتکشان میهن ما تحمیل می نماید ، بلا تردید موجب گسترش ابهام نوین مبارزات انقلابی توده ها خواهد گردید . هیچ عاملی بهتر از شرایط رقت بار زندگی نمیتواند توده ها را به مصاف جدی با دشمنان خلق دعوت نماید و بود چه سال ۶۲ کوشش گریزناپذیر رژیم برای ایجاد چنین شرایطی است . بارسنگینی این بود چه پیش از همه بردوش کارگران قرار دارد و هم آنان نخستین طلایه مداران جنبش و خیزش نوین انقلابی خواهند بود .

کمکهای مالی دریافت شده

۱۰۰۰۰	۱۲۳ - ۲
۴۰۰۰	ن - ۱۱۱
۲۱۰۰	ن - ۲۲۲
۵۰۰۰	۱ - اردیبهشت
۱۰۰۰۰	خیرالله
۴۵۰۰۰	ابی - ۱۳۲۵
۳۲۰۰۰	گروه مسعود
۱۵۰۰۰	گروه مسعود
پتو - اورکت	گروه مسعود
۲۰۰۰۰	ن - ۳۲
۵۰۰۰	تم - ۵۵۵
۵۰۰۰۰	بدون کد
۱۰۰۰۰	رفیق نظام
۲۰۰۰۰	رفیق هادی
۱۶۰۰۰	مقاومت - ۱
۲۰۰۰	مریم و حمید
۳۰۰۰	دز آگاه ۲۲۲
۳۰۰۰	هی - ۱۱۱
۱۰۰۰۰	رفیق کاظم
۳۰۰۰	ز - ۳۵
۱۰۰۰۰	روستای نوال
۵۰۰۰	سید اسکندر
۱۰۰۰۰	رفیق کاظم
۳۰۰۰۰	شهید لنگرودی
۲۰۰۰۰	رفیق سپهریک
۱۰۰۰	رفیق کاظم
۲۰۰۰۰	رفیق سینا
مقاله	ب - ۲ - ش
۲۰۰۰	- ۲۰
۲۰۰۰۰	بدون کد

کارنامه یکسال خون و . . .

ماهی مطلوب خویش را بگیرند . اگر برنامه انقلابی فابمیان توده ها نرود و تبلیغ کافی نشود ، از آنجا که توده ها تجربه ای بجز رژیم گذشته و رژیم کنونی ندارند ، تنها آلترناتیو برای لیل تنفرشان از رژیم کنونی ، شرایط مشابه رژیم گذشته می پندارند . حال آنکه توده ها با برد به حاکمیت خویش معتقد گردند . منافع توده ها ایجاب میکند که علاوه بر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ، جمهوری دموکراتیک خلق یعنی جمهوری دموکراتیک کارگران و دهقانان را مستقر سازند . همچنین در شرایط کنونی که بدلیل ضعف طبقه کارگر ، خرده - بوزروازی دموکرات یعنی سازمان مجاهدین در سازش با بوزروازی به ایجاد شورای ملی مقاومت مبارزات کرده اند و برنامه بوزروا فرمیستی حاصل از این سازش را تبلیغ میکنند ، وظیفه ما جلب دموکراتهای انقلابی و افشاء برنامه بوزروائی این شورا و نشان دادن ماهیت جمهوری دموکراتیک اسلامی که مبارت از حاکمیت مذ هب بشیوه ای دیگر است میباشد .

بقیه از صفحه ۱۶

اما تنها تبلیغ و ترویج اید سرنگونی نمیتواند مسئله ای را حل کند بلکه چگونه سرنگونی رژیم مسئله اساسی است . توده ها از عدم تشکل و بی سازمانی رنج میبرند . دیگر عملیات نظامی منفرد ، به تنهایی پاسخگوی نیاز جامعه نیست . ضمن اینکه یکی از تاکتیکهای جوخه های رژیم است . اما مسئله تشکل و تبلیغات در براس - وظائف ما قرار دارد باید کمیته های مخفی اعتصاب در کارخانه و کمیته های مقاومت در محلات ، مدارس ، ادارات و برخی از ارگانهای سرکوب رژیم نظیر ارتش و شهرداری و . . . سازمان داده شود و اعتراضات کارگری و توده ای - سازماندهی شده و سمت و سوی یابند . باید از طریق شبنامه ها ، تراکتها یا ارائه رهنمود های عقلی ، توده ها را بضرورت سازماندهی آگاه نمود و برنامه عمل سازمان را که منعکس کننده - خواسته های واقعی کارگران و دیگر زحمتکشان در این مرحله از انقلاب است بیان توده ها کرد . باید توده ها به حقوق خویش آگاه گردند و به حاکمیت خویش معتقد گردند .

بهاران . . . بقیه از صفحه ۶

شکنجه گاهها بدست قدرتمند خلق در هم کوبیده شوند و زندانیان سیاسی انقلابی آزاد گردند . نوروز زحمتکشان روزی است که از سرکوب و خفقان علیه کارگران و زحمتکشان و انقلابیون خبری نباشد و روزی است که بساط استعمار و فقر برچیده گردد .

نوروز فرامیرسد ، هر چند زحمتکشان و رانندگان را کمتر از هر زمان دیگر مجال و حوصله شادی و جشن باقی مانده است . اما ، بهر رو نوروز طلیمه بهار و پیام آور طراوت و سرسبزی است و نوید دهنده فصل چهرگی نو بهر کهنه و روشنائی بر تار یکی . نوروز ناپایداری زمستان و آزاره رسیدن بهار را خبر میدهد .

مانیز در آستانه نوروز ، می بایستی پیام آور نوید دهنده برپا خیزی - احتساب قاید پرکارگران و زحمتکشان علیه رژیم ، جنایتکارباشیم بایستی به کارگران و زحمتکشان مبین بگوئیم که رژیم علی رغم بوق و کرناهای دروغبین تبلیغاتی اش در نهایت ضعف و فتور و پتزلزل است . اقتصاد ورشکسته ، و ذخیره های ارزی در شرف پایان است . بحران اقتصادی و سیاسی بیکر فروت رژیم را در بر گرفته ، تضادهای جناحهای حاکم از درون مضمحلش میسازد ، افسانه تثبیت رژیم دروغی بیش نیست و از همین روست که هر روز توسل به سرنیزه سترده تر و وحشیانه سترده تر دستور فرامیگیرد . توده ها از

افت موقت ، بند رژیم مبارزه بر میخیزد کمونیستها و سایر انقلابیون مبارزه را ادامه میدهند و بدینسان انقلاب زنده است و علی رغم تلاشهای مذبوحانه ضد انقلاب حاکم ، پایه های سی مزدوران رژیم را بشدت به زیر ضرب گرفته است . باید بکارگران و زحمتکشان مبین بگوئیم که بهمین خاطر نوروز امسال را با چشم انداز سرنگونی رژیم و با امید به رسیدن به بهار زحمتکشان آغاز میکنیم . از همین روستا نو باید سال مرگ رژیم جمهوری اسلامی ، سال سرنگونی انقلابی رژیم ضد خلق خمینی ، از طریق اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه باشد . سال نو باید سال بدست گیری قدرت توسط توده های متشکل و مسلح تحت رهبری طبقه کارگر باشد . سال نو باید به سال آگاهی و تشکل و مبارزه بدل ساخت . باید متشکل و متحد علیه رژیم جمهوری اسلامی بپاخاست و با مبارزهای سراسری رژیم را برانداخت و حکومت کارگران و زحمتکشان را مستقر ساخت و به بهار زحمتکشان دست یافت .

ما در سال جدید و در طلیمه بهار دیگری که فرامیرسد ، ضمن تبریک عید نوروز به تمامی هموطنان مبارزان ، تمامی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را به مبارزه ای بی امان علیه رژیم ضد انقلابی حاکم فرامیخوانیم : برپا خیزیم ، متحد شویم رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم ، جمهوری دیمکراتیک خلق را برقرار سازیم .

رفیق محسن . . .

بقیه از صفحه ۲۰

بار دیگر قدرت خلق آزادی خواهند یافت ، محسن نیست تا گولته های پیش برگی و دشمنان فروز آید ، تا فریاد برآورد ، نعره اش بر فلات پیچید و مرگ رژیم ظلم و سرکوب رژیم فقر و فلاکت را نوید دهند . افسوس ، محسن انقلابی را که در کوچه و محله ، کارخانه و روستا ، شهر و ده نطفه بسته است ، میباید ورشکند ، از پس دیوارها ، از درون - دودکش ها سر میگذرد ازرقای تاریک معادن بیرون می آید ، در پیک کارگر ، در دایره برزگر ، در مسلسل خلق متبلور میشود ، جوانه های سرخش بر قلب دشمنان چون اخگر فروزان خشم فروز می آید ، کاخ ستم ویران میسازد و شیوه رهایی را امید مدد میبخشاند و بدو این جای بسی تاثر است اما چه باک اما کدام افسوس و درخ زبراکه ما یک روحیم در هزاران تنه ، میلیونها گالبد ، روح همسته جهانی پرولتاریا ، همان شبح سرخی که زمانی بر اروپا می چرخید و هر اس در دلهای سرمایه داران می افکند و اکنون جهانی را به لرزه درآورد است چه باک که اگر محسن نیست ، خون فرورخته اش ، خونی است در رگهای انقلاب ، توانی است در بازوان خلق ، نیروی است افزون در قلب هر فدائی ، چه باک جنبش میخروشد ، فدائی زنده است ، رزم خونین طبقات تد اوم دارد ، - انقلاب به پیش می رود .

رزم . . .

بقیه از صفحه ۱۳

به نبرد و موفقیت آمیز با بوزوازی نائل آید . اگر شیوه های سرکوب سرمایه داران منفرد در هر کارخانه ریوند با منافع طبقه سرمایه داران اتخاذ میشود ، تاکتیکهای پرولتاریای آگاه برای ارتقاء سطح مبارزات کارگران نمیتواند بصورت مجرد بود و ریوند با سیاستهای عمومی پرولتاریا - در یک مقطع مشخص تاریخی - قرار نداشته باشد . اگر بورژوازی با تکیه بر دستاوردهای سرمایه بین المللی امر انقیاد کار توسط سرمایه را به پیش میبرد ، پرولتاریا نمیتواند برد ستاورد های مبارزاتی

اجلاس غیرمنتظره ها . . .

بقیه از صفحه ۶

مبارزات خلقهای تحت ستم علیه امپریالیزم جهانی داشت اما این سیاست رژیم نیست علی رغم حضور کشورهای ضد انقلابی و وابسته بسیاری که در کنفرانس حضور داشتند با عدم موفقیت توأم گردید . در این کنفرانس ضمن اینکه ماهیت رژیم برای دول انقلابی و مترقی بیشتر آشکار گردید ، رژیم جمهوری اسلامی در انزوای هر چه بیشتر قرار گرفت و نمایندگان رژیم سراقند و بی ابروتر از همیشه به کشور بازگشتند .

ادامه دارد



روز زن ...

بقیه از صفحه ۱۲

زنان هر چند در کارخانه و مزرعه ، اداره و مدرسه ، شهر و روستا باید هم پاود و شاد و ش مردان رزم طبقاتی خود را تداوم بخشند . اما باید آنها را برای پیشبرد وجهه بگری از مبارزه طبقاتی در شکل مبارزه جهت احقاق حقوق زنان نیز سازمان داد و از این طریق میتوان وسیع ترین زنان را به هر صه بیکاری بیکار رزمی فرخواند . زنان باید در هر کجا با تشکیل هسته هایی از مبارزترین و آگاهترین افراد تبلیغ وسیع بر ضد سیاستهای ارتجاعی رژیم را سازمان دهند و از این راه زنان را در مقابله با این سیاستها بسیج نمایند . این عمل بخصوص در کارخانجاتی که تمام یا اکثر کارگران را زنان تشکیل میدهند و در مشاغلی چون بهیاری و پرستاری و ... اهمیت ویژه ای می یابد . البته تبلیغ برای زنان محدود بخود زنان نیست بلکه این وظیفه ای به دوش تمامی کارگران و زحمتکشانی است .

رفقا ! زنان آگاه و مبارز! وظیفه ای سنگین بر دوش ماست تا با گارد رمیان توده های زن آگاهیه های سیاسی و اجتماعی شان را ارتقاء بخشیم . عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی توده های زن سابقه تاریخی دارد و این بار مسئولیت ما را افزون تر میکند . فراموش نکنیم جنبش انقلابی مهنمان نیازمند کشاندن شدن زنان بمرصه مبارزه است . البته وجود هزاران زن مبارزی که در زندانها هستند و یا به جوخه مرگ سپرده شدند نشان از مبارزه و شرکت وسیع زنان در مبارزه است . ولیکن ما باید توده های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه بکشیم . برای اینکار بایستی که به کار تبلیغی وسیعی در میان زنان کارگروه هقان همت گماشت و آگاهیه های سیاسی شان را ارتقاء بخشیم . ولی رفقا کشاندن هر چه سترده تر زنان بمرصه مبارزه انقلابی تنها با کار در میان زنان به انجام نمیرسد بقول لنین : کار کمونیستی و سیاسی مادر میان توده های زن مستلزم بخش عمده کار تربیتی در میان مردان میباشد . باید نقطه نظر گرد شت را که مربوط به دوران بر دگی است در توده ها و حزب ریشه کن سازیم .

آری رژیم جمهوری اسلامی که خود به فحشاء ، به فروش زنان به استفاده کالای از زن رسمیت بخشیده است ، آنگاه زهد فروشانه و ریاکارانه ، اماکن عمومی را زنانه مردانه میکند و حتی در جهت زنانه مردانه کردن اتوبوسها نیز میکوشد ، و از سوی دیگر حساب اجباری و اعمال و سببترین فشارها برای تحمیل آن چون اسید پاشی ، تیغ کشی ، فحاشی و شعار نویسی به کثیف ترین صورت ، تعرض بخصوصی در پوشاک و اخراج به جرم پیدا نمودن مو ، رانندادن به مغازه و تاکسی و به علت نداشتن روسری و ... و وقیحانه و وحشیانه تر از همه تجاوز به دختران و زنان مبارزین زندانها تحت عنوان "اسیران حربی" .

آری جمهوری اسلامی تمامی نیروی خود را بیکار گرفته تا تحقیر و سرکوب شخصیت اجتماعی زنان را بحد اعلای ممکن برساند و در واقع در چنین شرایطی بواقع سخن گفتن از نابرابری دستمزد زنان با مردان در ازای کار مساوی یا بیکارگاری زن در کارهای سخت و شب کاری و عبت مینماید . البته تمامی کارگران و زحمتکشان میهن ما اوج فقر و فلاکت سرکوب را تحمل میکنند ولیکن زنان زحمتکش ماستی و وگانه ، سرکوبی و وگانه و تحقیری و وگانه را متحمل میشوند و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ، رژیمی که برای توده های وسیع خلقی بجز گرسنگی ، آوارگی ، بیکاری و مرگ ارمغانی بهمراه نداشته بردگی زن را رسمیت و تداوم بخشیده و او را در تمامی عرصه های اجتماعی بعنوان موجودی پست و درجه دوم محسوب می دارد .

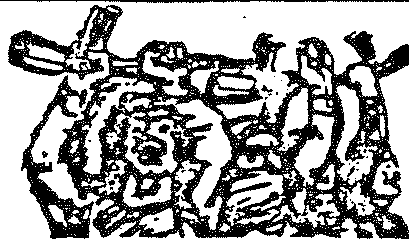
در چنین شرایطی وظیفه هر سنگینی بر دوش زنان زحمتکش و مبارز میهن ما قرار گرفته است . و این در حالی است که مبارزات زنان در مقابل قوانین وحشیانه و ضد انسانی رژیم تا کنون تنها شکلی خود انگیزش و بی سازمان داشته است . هنوز زنان تشنگیهای لازم برای مقابله با پایمالی تمامی حقوق اجتماعی خویش را نیافته اند و از همین روست که در مقابل اعمال وحشیانه و سرکوبهای که علیه زنان اعمال میشود ، مبارزه چندانی را شاهد نیستیم - البته این تاکید بسیار ما بر زنان نه به معنی جدا سازی آنان از مبارزه طبقاتی و مبارزه برای سرنگونی رژیم بلکه به معنای تاکید بسیار بر لزوم سازماندهی زنان حول ستم مشترکی که جهت زن بودن به آنان اعمال میشود و تاکید بسیار بر لزوم پیشبرد

دولت جدید با طرح حجاب تحمیلی اولین پرورش را به حقوق د مکر اتیک زنان آغاز نمود و اگر چه مخالفت با اجباری شدن و هرگونه تحمیلی بر پوشش ، عمدتاً از زنان متوسط جامعه را به اعتراض برانگیخت و زنان زحمتکش عکس العمل مهمی در این باره از خود نشان ندادند ولیکن معلوم بود که این حرکت رژیم بهمین جا ختم نخواهد شد . سپس جوق قضاوت از زنان سلب شد و قدم به قدم تهاجم به حقوق زنان پیش رفت . دادگاههای خانوادگی که در زمان شاه بزرگ فشار زن و اولاد در ظاهر تا حدی

حقوق آنان در خانواده را ملاحظه میکرد ، لغو گردید . حق طلاق بطور یکجانبه به مردان داده شد و همینطور حق حضانت فرزندان ، تعدد زوجات و حق صیغه که این آخرین که در حقیقت رسمیت بخشیدن به فحشاء و قانونی نمودن خرید و فروش زنان بعنوان کالای جهت ارضای شهوات حیوانی بود . رژیم سن ازدواج دختران را به ۱۳ سال کاهش داد به ایجاد دادگاههای مدنی خاص برای اجرای این قوانین غیر انسانی اقدام نمود . همزمان با این روند تضییقات و شرایط سخت تری برای زنان شاغل ایجاد نمود ، مهد کودکها را بخصوص در ادارات و کارخانجات محدود نمود و بسیاری از آنها را اضحل کرد و به بهانه های گوناگون - حتی در این حد که چون شوهرتان شاغل است شما لزومی ندارید که کار کنید - به اخراج و پاکسازی وسیع زنان پرداخت . بدین ترتیب رژیم جنایتکار در قوانین خود نابرابری زن و مرد ، بر دگی خانگی زن را تثبیت نمود و حتی کار را بجائگی رسانید که زنان را در ده مهاجورین و جانبا ن و مطرودین از جامعه قرار داد و رژیم بد آن قانون اساسی اش نیز با قرار دادن فرزندان و پرورش کودک بعنوان مهمترین وظیفه زن در حقیقت به خانه نشینی زن شکل قانونی داده و با عدم امکان انتخاب زن بعنوان رئیس جمهور و دیگر مقامات نابرابری مرد و زن را رسمیت بخشید . پیشتر رژیم تا بد آنجا رسید که با طرح لایحه قصاص مشخصاً زن را نصف مرد قرار داد و در مواردی چون قتل گلا حقیقی شهادت را از زنان گرفت بطوریکه اگر قتلی در حضور زنان و دختران صورت گیرد گوشت خواهد شد . اخیراً نیز رژیم بایست کشیدن طرح نیمه وقت کردن بانوان وارد پیکر نشان داد که رژیمهای سرمایه داری همواره در شرایط بحران اقتصاد از زنان را در ردیف اول مصروف اخراج قرار میدهند و در تلاش عبت خانه نشینی و ناباب پوشش فریبکارانه



جنبش انقلابی خلق گورد



بدست آوردند. در این عملیات ده تن از پیشمرگان قهرمان در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم فدائی وار جان باختند. هواداران سازمان در سقز بهمن مناسبت اعلامیه ای صادر کردند و آنند که عنایت می کنیم در شماره آینده نیز گزارش دقیق تری در عملیات را به چاپ خواهیم رساند.

در هفته دوم بهمن ماه ۶۱، پیشمرگان قهرمان فدائی در کردستان به ناسبت گرامیداشت سالگرد حمله سیاهگل و قیام مسلحانه خلق به نیروهای مزدور رژیم در جاده سقز - بوکان پوروش برد و بیش از ۵۰ تن از آنان را به هلاکت رساند و پیاپی خمسی کردند و غنائمی را از آنان

جنایتی دیگر از دژ خیمان رژیم

در هفته آخر اسفند ماه (۲۵ اسفند) بمبلی که هنوز کاملاً مشخص نشده، زندان زشت در جلا آتش سوزی میگرد. در مدت کوتاهی آتش گسترش یافته و بسیاری نقاط زندان را در بر میگیرد و شعله ورمیازد. از قرار معلوم ماشین های آتش نشانی پس از مدت کوتاهی به محل میرسند و قصد اطفای حریق را داشتند که پاسداران و مسئولین جنایتکار زندان از انجام اینکار ممانعت بعمل می آورند و به ماورین آتش نشانی میگویند که تا وقتی از محاصره کامل زندان توسط پاسداران و سبجی ها برای جلوگیری از فرار زندانیان سیاسی اطمینان نیابیم بشما اجازه خاموش کردن آتش را نمیدهم. در همین ضمن مرتباً از راه پوروشت پاسداران و سبجی های شهرونی مناطق اطراف را برای جلوگیری از فرار زندانیان به محل زندان فرستاده میخواندند. در جریان این عمل وحشیانه، جنایتکارانه رژیم بنابه گزارشاتی که تاکنون به ما رسیده بین ۲۰ تا ۳۰ تن از زندانیان سیاسی را آتش سوختگی یا خفگی ناشی از دود جان خود را از دست داده اند و نزدیک به ۵ نفر از آنان از حلقه محاصره عبور کرده، از زندان فرار کرده اند. رژیم با این عمل سبعانه خویش قصد داشت تا ضمن اتفاسی و احتساب ناپذیر جلوه دادن موضوع انتقام خود را از زندان دلاور خلقی بازستاند. اما همین امر موجب آفش هر چه بیشتر آن و تشدید نفرت مردم مبارز رشت علیه رژیم گشت و در همه جا صحبت از این جنایت است.

گرامی باد چهلمین روز شهادت پیشمرگان قهرمان فدائی

چهل روز پیش آماج گلوله های پیشمرگان فدائی برای رها نشی در مکراسی و سوسیالیسم سینه مزدورانش رژیم را نشانه گرفتند و با فریاد - زند باد انقلاب زند باد فدائی مرگ بر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی، کوهستانهای سرد و خاموش گردستان خونین را پر جوش و خروش کردند فدائیکاری و از خود گذشتگی شایسته مردان و زنانی است که بودند در آرامش و بدون مبارزه برایشان ننگی بیش نیست. چهل روز پیش پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مناسبت ۱۹ بهمن رستاخیز سیاهگل آغاز جنبش کمونیستی ایران جاده سقز - بوکان را تحت کنترل خود در آورده و در نبرد نابرابر بر علیه مزدوران سرمایه از جان گذشتگی و قهرمانیهای حماسه سیاهگل را زنده کردند. در این نبرد نابرابر ۶۵ خود روزیم که ۱۲ قبضه کالیبر ۵۰ را حمل مینمودند همراه با سلاحهای سنگین خمپاره انداز ۱۲ و ۸۱ میلیتری پایگاههای اطراف جاده شرکت داشتند و بقصد تسلیم در آوردن پیشمرگان وارد منطقه عملیات شدند. اما پیشمرگان فدائی که از قهرمانان تسلیم ناپذیری چون حیدرخان عماد - اعلی، روزبه، قاضی محمد، شریف زاده، ملاواره درس - آزادگی آموخته بودند در سینه شهادتی چون احمد زاده ها، جزئی ها حمید اشرفها و توماجها چنگید هاند و از پیشمرگان جان برکفی چون انور، سمکو، جواد شهابت و شجاعت آموخته بودند مرگ را تحقیر میکردند و فریاد میزدند بیایید جلوه مزدوران کثیف ارتجاع، ما از مرگ نمیهراسیم، چون آزاد را از جنگال امپریالیسم و ارتجاع بدون مبارزه مرگ و زندگی نمیتوان بدست آورد. در این درگیری ۱۵۰ تن از مزدوران کشته و زخمی شدند و چهار نفر به اسارت پیشمرگان در می آید و همچنین غنائم زیر: تفنگ ژ-۳، سه قبضه ۲۰ - تیربار ژ-۳، یک قبضه ۳ - فشنگ ژ-۳، ۸۰۰۰ عدد و مقدار آرمی - دیگر وسایل نظامی.

ما چهلمین روز شهادت رفقا ۱ - علی نوری ۲ - فریدون بانهای ۳ - حسن محمد پور ۴ - سمور رحمتی و شش تن دیگر از رفقای پیشمرگ که در این نبرد به شهادت رسیدند گرامی میداریم و به خانواده های این قهرمانان و خلق رزنده کرد تسلیم میگوییم. ایمان داریم راه این شهیدان را تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق ادامه داده و یک لحظه از پای نخواهیم نشست.

یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - تشکیلات سقز
۶۱/۱۲/۲۳

تصحیح و پوزش :

در کار شماره ۱۶۲ در مقاله مربوط به پیش نویس قانون کار در صفحه ۳ سطر ۵ جمله ای نوشته شده با اینصورت که در روند تولید بخش اعظم نیروی کار بصورت ارزش اضافی ... که صحیح آن این است : در روند تولید بخش اعظم کار بصورت ارزش اضافی ...

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

گرامی باد . . . بقیه از صفحه ۱۷۰ بماند

در خمیان جمهوری اسلامی اینبار قلب تپنده سازمان فدائی چندی از رفقای رهبری را آماج گلوله های آمریکائی و اسرائیلی خود قرار دادند و پس از آن هکله کتان فریاد نابودی سازمان برافتخار ما را در فضای سرشار ازستم طبقاتی ، به سرمایه داران و دشمنان خلق نوید می دادند . آنان که ارزنده ترین رفقای ما را بخون کشیده بودند بر این تصور بودند که دیگر سازمان کارایی نداشته مبارزه با رژیم

پزدوران شاه نیز در ۲۵ - ۵۵ هنگامیکه رهبر این سازمان را در محاصره گرفتند و آن ریک در گمبیری حماسه آفرین رفیق حمید اشرف و دیگر اعضای رهبری بشهادت رسیدند بهمین گونه به شادی نشستند ، اما توده ها را بدند که سازمان هرگز نمی میرد و نقش سازمان در قیام خونین خلق و سالکهای پس از آن نیز این امر را بوضوح نشان داد که فدائی و راه سرخش تد اوم دارد .

اینک در آستانه اولین سالگرد پنهان شدن محمد باقر بازرگان رهبری سازمان فدائی در یک روز جوان ، حمید اشرف و رفقای مبارز با رژیم این ضربه شهادت شدند بگوشیم تا اینجا تلاقی هر چه پیشروان بر افتخار رفقایمان یعنی نابودی رژیم و استعمار طبقاتی و راهائی کارگران بود بگوشیم زحمتکشان را تد اوم بخشیم و سلاح آغشته به خونشان را بردوش کشیم و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یک لحظه از ای نشنیم .

رفیق کاظم . . . بقیه از صفحه ۲۶

در برنامه های گوهنوردی آغاز نمود . شور و علاقه و وقت رفیق در انجام همین محد و کارها و فعالیت سیاسی موجب رشد رفیق شد آنچنانکه توانست بزودی به عضویت در گروهی که به هواداری از سازمان تشکیل گردیده بود درآید . گروهی که رفیق در آن به فعالیت سیاسی خود ادامه میداد ، در سال ۱۳۵۵ در ارتباط مستقیم با سازمان قرار گرفت و رفیق در اوایل سال ۱۳۵۶ رسماً به عضویت سازمان درآمد .

حمید اشرف ضربه هولناک دیگری بر پیکر سازمان وارد آورد .

از این زمان به بعد ، سازمان پدیرش دیدگاههای رفیق جزئی و پدیرش حرکت سیاسی در کنار حرکت نظامی ، قدم در راهی نوگذاشت و فعالیت پویای این دوره خود را آغاز نمود . رفیق کاظم در این دوران یکی از پیگیرترین اعضای سازمان برای تحقق دیدگاههای رفیق جزئی مبنی بر تبلیغ کار سیاسی و نظامی بود . یکی از دستاوردهای این تلاش ، تشکیل تیمهای و نفره موتورسوار مسلح بخش در دوران شاه بود . هر تیم موتورسوار مسلح و نفره ، در آن زمان میتوانست در هر ساعت حدود هزار تاد و هزار اعلامیه را در مناطقی زحمتکش نشین شهر پخش نماید . این تاکتیک با خود ویژه گیهای آن زمان موفق شده بود که بخش عظیمی از شهر تهران و برخی شهرستانهای دیگر با تعداد معدودی تیمهای موتورسوار مسلح زیر پوشش اعلامیه های سازمان بگرد .

رفیق کاظم همدوش با سایر رفقا ، تمامی تلاش خود را صرف بازسازی مجدد سازمان ، سازمانی که بعلمت خیانت اپورتونیست های اکثریتی رو به فروپاشی بود نمودند . تبلیغات وسیع و گسترده سازمان تحت مسئولیت رفیق کاظم در ۱۷ بهمن ۵۹ روحی تازه در کالبد سازمان نفوذ و سازمان مجدد بوجود پیت خود را در گسترده ترین شکلش اعلام نمود .

رفیق از نظر خصلتی ، رفیقی بسیار با روحیه و شاد بود . عشق بزندگی در جزه جزه حرکاتش میجو شید و عشق به خلق و ارمان خلق آن چشمه ای بود که روحیه رفیق از آن سیراب می شد . وی علاقه مفراطی به رفیق کبریا مان اسکندر داشت و شهادت رفیق اسکندر را تاثیر عمیقی بر روحیه رفیق گذارد و تصمیم رفیق را برای مبارزه و بر طرف نمودن ضعفها و نارسائیهای سازمان و جنبش ضد چندان نمود . رفیق در طول زندگی سیاسی خود ، مسئولیتهای مختلفی را عهده دار بوده است . از جمله این مسئولیتهای ، مسئولیت چاپ ، مسئول تبلیغات و توزیع ، مسئول ارتش ، مسئول نظامی ، مسئول امنیت عضویت در کمیته اجرایی و بالاخره عضویت در کمیته مرکزی سازمان بوده است .

در طول مدتی که رفیق به عضویت سازمان درآمد ، سازمان فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذراند در سال ۱۳۵۶ که سازمان پس از ضربات ۵۵ ، در چار از هم پاشیدگی بود ، مسئول شاخه مشهد و جانشینش با رد می مسلحانسه ، قصد انشعاب داشتند و با این قصد شروع به سم پاشی در درون شاخه نمودند و با انگشت گذاشتن بر روی ضعفهای سازمان میخواستند از آن ضعفها برای پیشبرد منظور خود سوء استفاده نمایند . در این زمان رفیق کاظم و سایر رفقای معتقد به سازمان ، گرچه بر می مسلحانسه انتقاداتی داشتند ، ولیکن بد فاع از وحدت تشکیلاتی و مبارزه با برخورد های تشکیلات شکنانه مسئول شاخه و جانشینش برداختند . این حرکت انقلابی رفقا و حرکت قاطع و بموقع مرکزیت نوپای سازمان که هنوز آن استحکام لازم را بدست نیاورده بود با عناصر انشعاب طلب و طلب مسئولیت از آنان ، مانع ازیک انشعاب دیگر در سازمان گردید انشعاب توج حید ری بیونند و پس از ضربات سال ۵۵ و شهادت رفقای چون

رفیق در ۲۴ اسفند ۱۳۶۰ در خیانت احمد خانی ، در ریک در گمبیری مسلحانسه با ما مورین خمینی جلا بد شهادت رسید . زندگانی مبارزاتی رفیق کاظم از سپاه هکل تا لحظه شهادت سرشار از شور و ایمان به خلق و راه راهائی خلق و ارمان سازمان جریکهای فدائی خلق بود . رفیق فدائی و ارزیمت و فدائی وار شهید شد . یادش گرامی و راهش پر رهرو باد .

حامد باد خاطر همه شهیدان بخونه خفته خلق



بنگ است خون من درد دست کارگر داس است خون من درد دست بزرگر



گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق نظام

عضو کادر مرکزی سازمان

آگاهی هر آینه با مقتدا انقلابی
تو ام کرد و منشای ایمان عظیم خواهد
شد و پر استی رفیق نظام مظهر شوی
انقلابی تو ام با آگاهی بود دوران -
هنگام که رفیق باد انش مارکسیسم
لنینیسم آشنا شد تازه به دوران
دانشجویی پانهاد بود وزند کسی
مبارزاتی رفیق بقیه در صفحه ۱۹

گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق هادی

عضو کادر مرکزی سازمان



گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق کاظم

عضو کادر مرکزی سازمان

همزمان با حرکت حماسه آفرین
سپاه هگل، همگام با نایب جوانان
پرشور و انقلابی میهنان رفیق کاظم
نیز در زمره پرچم پرافتخار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران فعالیت
انقلابی خود را آغاز کرد. ابتدا
رفیق حرکت انقلابی خود را با دست
نویس کردن پیامهای سازمان و تکثیر
آنها و شرکت بقیه در صفحه ۲۵



حماسه سپاه هگل آغاز شده بود و
طنین گلوله های فرزند ان انقلابی
خلق آغاز مبارزه مسلحانه و ناقوس مرگ
رزم شاهنشاهی را تویید میدادند.
در آن سالهای خفقان رفیق هادی
نیز همچون هزاران جوان پرشور و -
انقلابی شاهد مفروضه روزی توده های
تحت ستم بود اما هنوز زبه تا کتیک
متناسب با شرایط دست نیافته بود.
اما هنگامیکه حماسه آفرینان سپاه هگل
اشکال نویسی از مبارزه را به تجربه
نهادند رفیق هادی نیز مبارزه انقلابی
روی آورد. رفیق از آنجا که ارتباطی با
سازمان نداشت تصمیم گرفت به همراه
رفیق حسن فرجودی خود دست به کار
شوند و همچون صدها جوان انقلابی و
پرشوریدون داشتن هرگونه ارتباطی
فعالیت انقلابی را آغاز نمود.



گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق محسن شانه چی

عضو کادر مرکزی سازمان

در همین نقطه بارزترین خصلت
رفیق یعنی اعتماد بنفس و اتکاء بخود
پرویز میگردد. رفیق منتظر ارتباط
نشست گر چه معتقد به حرکت
سازمان یافته و تشکیلاتی بود. در آن
روزها و سپاه رزم شاه جشنهای
... ۲۵ ساله را برگزار میکرد و در همه
شهرها بهمین بقیه در صفحه ۱۹

در پی ضربه اسفند ما مرزیم جنایتکار
اعلام کرد که رفیق محسن مد پرشورترین
نیز در همین ضربه به شهادت رسیده
در حالیکه شهادت رفیق به حدود
دوماه قبل از آن در ارتباط با یک سری
بوقوع پیوسته بود. بهر رو از آنجا که
شرح گرامی داشت رفیق در شماره های
از نشریه که در ضربه اسفند به تکرار
رفت به چاپ رسید بود ما اقدام به
درج مجدد آن مینمائیم.

دست جلاد بار دیگر بر خون پاک
فدائی خلق آفشته گشت، گلوله
دو زخمی بار دیگر تدمر سرخ
حماسه را با خون رفیق محسن گلگون
- تر ساخت بقیه در صفحه ۲۰